



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس يوم سه شنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۱۹

غائبین با اجازه -- آقایان: علی خان اعظمی -- میرزا علی
حق نویس -- آقامیرزا هاشم آشتیانی.
غائبین بی اجازه -- آقایان: محمد ولی خان امیدی -- میرزا

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین
تشکیل و صورت مجلس يوم یکشنبه بیست و چهارم مهرماه قرائت
و تصویب شد.

سید مهدی معتمد - آقا سید زین العابدین فوسنی - میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقا آقازاده سبزواری - غلامحسین میرزا نسعود - آقا سید حسن مدرس.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - میرزا محمد تقی بهار.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - میرزا عبدالباقی جمشیدی مازندرانی - میرزا علی اکبرخان داور.

آقای احتشامزاده شرحی راجع بلزوم اصلاح امور اقتصادی و فضائی و بلدی و مخصوصاً لزوم تشکیل انجمنهای بلدی تقریر و تقاضا نمودند آقایان نمایندگان توجهی نموده و اصلاح قانون بلدی زودتر به تصویب مجلس برسد.

آقای نوبخت شرحی راجع بتعدی و خودسری حکومت کازرون تقریر و تقاضا نمودند از طرف دولت به مرکز جلب و به عملیات مشارالیه رسیدگی شود.

آقای وزیر مانیه در جواب آقای اعتبار راجع به جلوگیری از حمل شمشهای طلا که جدیداً برای حمل به خارجه به بست تسلیم شده اظهار نمودند بمجرد تصویب قانون تلگرافاً به تمام نقاط دستور داده شده و از خروج طلا و نقره جلوگیری خواهند نمود.

آقایان عباس میرزا و خطیبی تقاضا نمودند به وزارت داخله تذکر داده شود برای جواب سؤالات ایشان حاضر شوند.

آقای آقا سید میرزا علی عمادی راجع بلزوم اصلاح امور اقتصادی شرح مفصلي تقریر و پیشنهاد نمودند کمیسیون به نام کمیسیون اصلاحات اقتصادی مرکب از ۹ نفر از آقایان نمایندگان تشکیل و نتیجه مطالعات خود را به مجلس راپورت دهند و پیشنهاد ایشان به اضافه طرح قانونی که از طرف آقای کی استوان راجع به معادن تقدیم شده بود به کمیسیون مبتکرات ارجاع شد.

طرح قانونی با مضامین جمعی از آقایان نمایندگان راجع باصلاح ماده پانزده نظامنامه داخلی بشعر به تنکیک کمیسیون پست و تلگراف و فوائد عامه با قید دو فوریت قرائت و چون مخالفی نبود نسبت به فوریت اول و دوم جداگانه اخذ رأی شده تصویب و در اصل موضوع آقای شیروانی عقیده شان این بود کلمه صحیه پس از (کمیسیون داخله) اضافه شود.

آقای یاسائی پیشنهاد نمودند بجای کمیسیون خارجه کمیسیون امور خارجه و بجای کمیسیون قوانین مالیه کمیسیون مالیه نوشته شود و پیشنهاد ایشان بدو قسمت تجزیه شده بدو به قسمت اول یعنی اضافه کلمه (امور) قبل از خارجه رأی گرفته تصویب و بعد نسبت به قسمت دوم راجع به حذف کلمه قوانین قبل از مالیه اخذ رأی بعمل آمده رد شد و پس از آن نسبت به ماده مزبوره باصلاح فوق الذکر رأی گرفته تصویب و عده اعضاء کمیسیون پست و تلگراف شش نفر مقرر گردید.

آقای افشار مخبر شعبه اول راپورت شعبه مزبور را نسبت به نمایندگی آقای ثقة الاسلامی که در جلسه قبل قرائت شده بود مسترد و نسبت به نمایندگان تبریز هر یک راپورت جداگانه تقدیم و هفت فقره از خبرهای مزبور راجع به نمایندگی آقایان ثقة الاسلامی

جهانشاهی - نصرت الله خان - اسکندری - محمدولی میرزا - حاج سیرزاقا فرشی - دکتر رفیع خان و عدل قرائت و نسبت به فقره اول و دوم چون مخالفی نداشت رأی گرفته تصویب و چهار فقره بعد بمناسبت مخالفت آقای زوار و فقره اخیر بمناسبت مخالفت آقایان آقا سید یعقوب - اعتبار - دشتی و زوار موکول به جلسه دیگر شد.

لایحه راجع به پرداخت دودوازدهم بودجه سنه ماضیه برای مخارج بهرماه و آبان بقید فوریت قرائت و آقایان آقا سید یعقوب و روحی با فوریت آن مخالف و آقای دادگر موافق بوده و نسبت به فوریت لایحه مذکور اخذ رأی شده رد و به کمیسیون بودجه ارجاع گردید.

در این سؤقه جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله بیست دقیقه مجدداً تشکیل و دو فقره خبر از شعبه اول راجع به نمایندگی آقایان لیتوانی و جوان شیر از تبریز قرائت و نسبت به نمایندگی آقای لیتوانی چون مخالفی نداشت رأی گرفته تصویب و فقره اخیر بمناسبت مخالفت آقای بهار بجلسه دیگر موکول گردید.

ایضاً یک فقره راپورت از شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای بنی سلیمان از شوشتر و توابع قرائت و در آن خصوص اخذ رأی شده تصویب گردید.

انتخاب اعضاء کمیسیونهای معموله شروع و آقایان طباطبائی و کیلی بحکم قرعه برای استخراج آراء معین و آقای رئیس اظهار نمودند عده از آقایان نمایندگان پیشنهاد نموده اند برای کمیسیون خارجه نه نفر انتخاب شود و چون مخالفی نبود قرار شد بهمین ترتیب رفتار شود.

راپورت کمیسیون بودجه راجع به تأسیس بانک رهنی مطرح و در ضمن شور کلی آقای عمادی بمناسبت دخالت دولت در کسب و تجارت مردم و آقای روحی بواسطه ذکر حق الحفظه مخالف بوده و آقای شیروانی مخبر کمیسیون اظهار نمودند مقصود دولت کسب و تجارت نیست و غرض رفاهیت طبقات ضعیف است.

آقای آقا سید یعقوب نیز موافق بوده و اظهار نمودند این مقدار حق الحفظه برای اجرة مقومینی است که در آن مؤسسه مشغول خدمت میباشند.

دخول در شور سواد تصویب و در ماده اول آقای نوبخت با ذکر سطر دوم و سوم مخالف بوده و بالاخره نسبت به ماده اول رأی گرفته تصویب شد.

در ماده دوم آقای احتشامزاده عقیده شان این بود به مستخدمین ادارات دولتی حق داده شود که باعتبار حقوق گذشته خود بتوانند از این مؤسسه استقراض نمایند.

آقای بهبهانی مقدار حق الحفظه را صدی شش و آقای میرزا یدالله خان صدی هفت و آقای احتشامزاده راجع به مستخدمین ادارات هریک اصلاحی پیشنهاد و هیچیک تصویب نگردید.

آقای حاج سیرزا حبیب الله امین پیشنهاد نمودند بجای اجناس قابل فروش اجناس منقول نوشته شود.

آقای مخبر این پیشنهاد را قبول و آقای بامداد پیشنهاد نمودند مستقالات و اسلاکی هم که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده تا معادل

چهارصد تومان بوثیقه قبول شود و پس از تدری مذاکره نسبت به پیشنهاد مزبور اخذ رأی شده تصویب نگردید.

آقای ارباب کیخسرو نیز اصلاحی پیشنهاد آقای حائریزاده پیشنهاد نمودند ماده دوم با مجموع پیشنهادها به کمیسیون ارجاع و تجدیدنظر شود و بر حسب تقاضای آقای مخبر ماده دوم بضمیمه پیشنهادات به کمیسیون مراجعه شد.

جلسه آتیه به روز پنجشنبه بیست و هشتم بهرماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن بتیة دستور همین جلسه مقرر و مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند قبل از بودجه سنه ماضیه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید. صورت مجلس روز یکشنبه بیست و چهارم بهرماه را آقای ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای نوبخت. (اجازه)

نوبخت - عرض بنده هم قبل از دستور است.

رئیس - آقای اعتبار. (اجازه)

میرزا سید احمدخان اعتبار - قبل از دستور.

رئیس - آقای عباس میرزا. (اجازه)

عباس میرزا فرمانفرمایان - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای عمادی. (اجازه)

آقا سید میرزا علی عمادی - بعد از تصویب صورت مجلس.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - آقای مدرس را در صورت مجلس جزو

غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که بخاطر دارم ایشان ده روز اجازه مرخصی از تاریخ حرکت گرفته اند و تصویب هم شده فقط روز حرکت معین نشده بود و ایشان میبایستی فقط روز حرکتشان را اطلاع بدهند در هر حال ایشان اجازه دارند و باید غایب با اجازه نوشته شوند.

رئیس - تاکنون اطلاع نداده اند اگر اطلاع دادند که حرکت کرده اند این غیبت جزء آن ایام محسوب خواهد شد نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟

(گفتند: خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد، آقای احتشامزاده.

(اجازه)

احتشامزاده - بنده چند جلسه بود اجازه خواسته بودم که قبل از دستور موضوع مهمی را بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم ولی متأسفانه موفق نشدم، قبل از اینکه عرضی خود را بسمع مبارک آقایان محترم برسانم ناگزیرم که عرض کنم بنده بسهم خودم با انتظاراتی که ملت و مردم از حیث اصلاح اوضاع

کلمه (مطابق) ذکر شود و آقای فرشی سبئی بر سوء تفاهمی که برای ایشان پیدا شده راجع به اینکه جهانشیر نیست و جوانشیر است تذکر داده اند چون جوانشیر نوشته شده بود سوء تفاهم ایشان رفع شد.

دیگر مخالفی نسبت به صورت مجلس نبود و صورت مجلس تصویب شد.

پنجشنبه ۲۸ بهرماه ۱۳۰۵ ع ۲ / ۵
رئیس مجلس شورای ملی: سید محمد تدین
منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: میرزا حسین خان موقر

صورت مشروح مجلس سه شنبه بیست و ششم مهر ماه ۱۳۰۵ مطابق یازدهم ربیع الثانی ۱۳۴۵

اقتصادی مخصوصاً از مجلس شورای ملی دارند موفق نشده ام در این مدت که دوره ششم مجلس شورای ملی افتتاح یافته است خدماتی برای رفع بیچارگی و فقر و فلاکت آنها انجام بدهم...

آقا سید یعقوب - هنوز سؤقه نگذشته است.

احتشامزاده - البته هنوز هم سؤقه نگذشته است ولی تصور میکنم برای هیچیک از آقایان نمایندگان محترم با اطلاعاتی که

به بیچارگی حال موکلین خودشان و عموم افراد ملت دارند جای صحبت باقی نباشد. بنده شخصاً اظهار خجالت میکنم و حقیقه هر وقت از مجلس خارج میشوم و بیرون میروم و اشخاصی را که بمن

مراجعه میکنند میبینم و با آنها صحبت میکنم خجالت میکنم چون برخلاف انتظار خودم و آنها در این مدت دو ماه و نیم که مجلس

افتتاح یافته است موفق نشده ایم خدماتی برای آنها بکنیم. بدبختی مردم بقدری زیاد است که تصور میکنم ذکرش اسباب تصدیع خاطر نمایندگان محترم و توضیح اوقات خواهد بود چون از جهت

اوضاع اقتصادی بقدری مردم حالشان بد است که خیال میکنم روح در بدن آنها نیست و باصطلاح ملت ایران مرده های متحرک هستند و حق هم دارند، در قسمت عدالت متأسفانه با اینکه تقریباً

بیست سال از عمر مشروطیت ایران میگذرد، هنوز ملت ایران لذت عدالت را نچشیده است و البته نمایندگان محترم متوجه هستند و سعی خواهند نمود که قوانین موضوعه اجرا شود و عدالت در

مملکت تعمیم یابد، موضوع دیگری که بنده میخواستم به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم یکی از گمشده های مشروطیت است که خیال میکنم در اوضاع شهرها خیلی مؤثر باشد و آن انجمن های

بلدی است. اوضاع بلدیة شهر طهران و مخصوصاً سایر نقاط ایران را آقایان نمایندگان محترم همه دیده اند و بخوبی اطلاع دارند که فقط یک اسمی است، یک اداره دولتی تشکیل شده است و بجای

اینکه این اداره دولتی سعی کند امور بلد را از نقطه نظر ارزاق و صحیه و غیره اداره کند متأسفانه یک اداره شده سرباری بدبختیهای مردم، در شهر طهران آقایان ملاحظه میکنند با تمام توجهی که از طرف دولت نسبت باسور صحی میشود کمتر اتفاق می افتد که روزی از خیابانها و کوچه ها عبور نمائیم و یک مناظر رقت آوری را

نبینیم که اشخاص فقیر باوضع فلاکت توی کوجهها افتاده اند و ایداً وسائلی برای معالجه و مداوای آنها فراهم نیست و متأسفانه یک کارخانه مرضی در مملکت و شهرها هست که آن آنها را بجاری میاه است هر قدر هم دقت در جلوگیری امراض بشود متأسفانه مجاری آب بمنزله ماشین و کارخانه ایست که میکرب امراض را تولید و زیاد و بهمه شهر منتشر میسازد و البته این یک مسأله مهمی است که باید خیلی زود اصلاح شود و همانطور که همکار محترم بنده آقای دکتر سنگ در چند جلسه قبل فرمودند عن قریب شاید در چندی بعد یک نفر زنده در مملکت ایران پیدا نشود . مسأله دیگر موضوع و مسائل حمل و نقل طهرانست که متأسفانه بقدری بد است که هر ناظری را برقت در سیار آورد . در شهر طهران و سرکز مملکت هنوز وسائل حمل و نقل طوری نیست که انسان بتواند در موقع مقرر خودش را بنقطه مقصود برساند و آگون شهر حقیقه مایه اقتضاح است و متأسفانه توجهی بان نمیشود همینطور سایر مسائل شهری که هر کدام بجای خودش خیلی اهمیت دارد، بنده یکی از مسائلی را که خیلی اهمیت میدهم و از نقطه نظر روح اخلاق ایرانی فوق العاده مؤثر است مسأله تریاک و انتشار آنست با اینکه در دوره سابق مجلس شورای ملی برطبق ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مجازاتی برای استعمال کنندگان آن مقرر شده است ولی متأسفانه از طرف بلدی اقدام جدی برای رفع این کار نشده و روز جوانان ما مبتلا باین سم مهلک میشوند و بنده خیلی بدین هستم و بیترسم که در آتی نزدیک شاید همه اهالی باین مرض مبتلا شوند و بنده شخصاً علاقه مند هستم که این مسأله قابل توجه شده و سعی نمایند به هر وسیله که هست از اینکار جلوگیری شود بازیکی از مسائلی که هیچ طرف توجه بلدی نیست این است که بلدی ما مثل این است که در شهر طهران هم تبعیض میکند، اگر آقایان از قسمت جنوب طهران عبرت نمایند تصور میکنند که اصلاً بلدی آنجا را جزو شهر طهران نمیداند و ایداً در تنظیف و روشنائی آنجا اقدامی نمیکند و اگر بحسب تقاضا و اصرار اهالی آنجا چراغ نفتی یا برقی هم گذاشته اند طوریست که شاید بقدر اینکه خود چراغ دیده شود روشنائی ندارد اینها مسائلی است که هر کدام در جای خودش اهمیت دارد و این اصلاحات بلدی انجام پذیر نخواهد شد مگر اینکه خود مردم دخالت و شرکت در آن داشته باشند و راه آنها فقط تشکیل انجمنهای بلدیست و بس که در صدر مشروطیت ایران این قضیه را پیش بینی کرده اند و برای اینکه مردم را علاقه مند باصلاحات بلدی بکنند آمدند و قانون انجمن بلدی را تصویب کردند ولی متأسفانه در طهران یکی دو مرتبه بیشتر این قانون اجراء نشد و بعد متروک ماند و در یکی دو نقطه هم شاید الان انجمنهای بلدی غیر رسمی باشد و البته باید در تمام نقاطی که بلدی هست انجمن بلدی نیز تشکیل و اسوری بلدی را اصلاح نمایند در دوره گذشته بر طبق اطلاعی که بنده دارم وزارت داخله نظر بنواقصی که در قانون انجمنهای بلدی دید لایحه تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی کرد که شاید آن لایحه در کمیسیون داخله تصویب هم شده باشد و بنده از آقایان نمایندگان استدعا میکنم که یک توجه خاص باین موضوع

بفرمایند و سعی فرمایند که زودتر این پروژه قانون بلدی بتصویب مجلس شورای ملی برسد که انشاء الله پس از تأسیس و تشکیل انجمن بلدی موفق شویم اصلاحات بلدی را که برای حیات مردم فوق العاده مؤثر است تکمیل نموده و شاید خیالات مردم از جهت اصلاح امور بلدی آسوده و راحت شود.

بعضی از نمایندگان - دستور .

اعتباراً دوله - بنده اجازه می خواهم عرض دارم .

رئیس - آقای نوبخت . (اجازه)

نوبخت - موضوعی را که می خواهم به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم راجع به تجدید چوب و فلک است که اخیراً از جنوب سردر آورده است ، شاید به عقیده بعضی از آقایان مملکت خورده خورده دارد به حالت عادی برمی گردد ولی (کلمه حق یزاد بها الباطل) حالاً کاری به این موضوع ندارم و مطلبی را که می خواستم به عرض آقایان برسانم این است که به طور خلاصه حاکم کازرون که مطابق همان حالت عادی از طرف ایالت فارس معین شده است در کازرون یک بیچاره را فلک کرده و امر کرده است او را یک ساعت ونیم چوب بزنند عین مرسله که از فارس برای بنده رسیده است برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان محترم می خوانم «چند روز پیش آقای امیر نصرت نوری حاکم کازرون یک نفر از اهالی بدبخت را طلبیده و حکم کرده فلک کنند چهار نفر فراش یا چوبهای بلندخار دار مشغول چوب زدن می شوند خود آقای امیر نصرت هم ایستاده و هر چند دقیقه امر می دهد که توقف کرده آب نمک روی پایش بریزند و دو مرتبه حکم می کند چوب بزنند نیم ساعت توقف کردم دیدم بیچاره رها شدنی نیست و التماسهای سزج آن بیچاره طاقت مرا برید نتوانستم تحمل کنم خارج شدم پس از نیم ساعت دیگر کار خود را انجام داده به منزل بر می گشتم نزدیک اداره حکومتی باز صدائی که التماس می کرد بگو شم خورد وقتی رسیدم دیدم همان بیچاره همانطور دارد چوب می خورد و درست یک ساعت ونیم چوب می خورد. آقای حکمران محترم ایستاده با دخترک خود مشغول صحبت است و به او می گوید بابا خوب چوب می خورد؟ باز هم چوب بزنم؟ و آن رعیت مظلوم بیچاره التماس و استغاثه می کند این است بدبختی ما. شما آقایان نمایندگان را بحق حقیقت قسم می دهم که به حال ما فلک زده ها ترحم کنید» .

این شخص اضافه بر این عمل یک کار دیگری هم مرتکب شده است که این جا نوشته نشده و در یکی از جرائد فارس نوشته اند که چهار انگشت شخصی را حاکم کازرون با تیغ صورت تراشی با دست خود قطع نموده است این راهم عرض می کنم به طوریکه اطلاع دارم وزارت داخله دوائر اقدام وزیر که او را یک شخص خوب و صالح و وطن پرست میدانم امر کرده است که او را بشیراز احضار کنند اما این شخص در این اعمال سابقه دارد و مکرر این کارها را کرده است و تا زگی ندارد حتی این شخص لقب خودش را هم در پای این قبیل کارها گذاشته است و خوب یاد دارم که در پنج سال قبل مرتکب یک عملیاتی در جهرم و دشتی و دشتستان شد و آنوقت لقبش امیر نصرت بود و دید که این لقبش

اتخاذ کرده است مخالف تمام مقررات قانونی است و بنده آن جزئیاتی را که راجع باین سؤال داشتم میل داشتم که آقای وزیر داخله حضور می داشتند تا مطالب را می شنیدند و جواب میدادند.

رئیس - یک مرتبه بایشان اطلاع داده شده است باز هم اطلاع داده میشود که زودتر حاضر شوند: آقای عمادی (اجازه)

سید سیرزا علی عمادی - اگرچه یک قسمت از عرایض بنده یعنی علت آن را آقای احتشام زاده و آقای نوبخت بعرض رساندند چون مستلزم یک معلولی است که آن را بنده آمده ام بعرض برسانم و آن این است که عرض میکنم بعقیده بنده اولین قدم اصلاح اقتصادی مملکت است چه که «سن لامعاش له لاسعاده». فشار بینوایی فقر در جامعه ایران بقدری قیانه هولناکی بخود گرفته که با سهل انگاری مختصری ممکن است ما را بیک آینده خطرناکی تهدید نماید. دیر زمانی نمیگذرد که زمام کلیه امور اجتماعی از کف زمام داران رها شده راه چاره بکلی مسدود خواهد شد. و تمام را بدین نحو ونیستی خواهد کشانید فقر و فلاکت هر ساله یک طبقه را با چنگال بی رحمی میکوب و معدوم میسازد. آری آن طبقه که دو سال قبل سؤنه دو سال را بیشتر نداشت برای عدم وسائل تزئید بیکارانه امروز به بی نوایی و بیچارگی روینفا رفته چنانچه مشاهده میفرمائید. بدیهی است اگر حال بهمین منوال باشد آن طبقاتی که امروز بیک زندگانی مزجاتی بخود تکیه داده و سرپا ایستاده مدتی نمیگذرد مثل سابقین بعد از چند صباح دیگر در گرداب فقر غرق شده در سرای

تعیین مقدار تنفات فقر همانطوریکه مالیه ایران در رأس هر سال برای مخارج و عایدات آن سته نسبت به سته قبل تعیین مینماید که چه قدر کسر بودجه دارد فوری مالیات جدیدی بنا لایحه تقدیم مجلس شورای سلسی نموده و مجلس را به کسر عایدات مملکت در آتی تهدید مینماید و مجبورش نموده که رأی اعتماد به آن لایحه داده همانطور اگر یک اداره احصائیه کافیه در مملکت بود که در هر سالی نسبت بسال قبل چه قدر تنفات نفوس از دولت فقر در مملکت شده با مطالعه مختصری هر قدر لایالی گی بخواهد بکند نمیتواند خودداری نماید لامحاله در پی ایجاد وسائل رفع این بلا میسر نخواهد آمد تا مل تسامح سهل انگاری از چیست شبیه در مرض است که بالحس مشاهده میشود در علت مرض است آنها معلوم است که بواسطه عدم ازدیاد موالید اولیه و عدم وجود صنایع و بی ترتیبی و غیر منظم بودن امور تجارتي از صادرات و عدم سهولت حمل و نقل آنها استعداد سرزمین ایران از حیثیات معروضه سرآمد ممالک دنیای امروز است اگر در معالجت است آنها با اینهمه دکترهای حقوقی از آقایان و کلاء محترم و وزراء و سایر قاندرین ملت و سرپرستان مملکت آنها در سایه سلطنت یک همچو پادشاه با عزم قادر ملت دوست مملکت خواه با فهم بمرض و راه معالجه و بودن طبیب چرا کرورها نفوس باید بمرض فقر مبتلا باشند بعلاوه معروف است که علت مرض تشخیص داده شد رفعت سهل است یا خدای نخواست به این افراد بشر در ایران قدر

و قیمتی قائل نباید بشویم آنها قطعاً نیست چرا که هر یک از آقایان خبلی اسباب بدنامی برای او شده بود امیر نصرتی را بدل به سالار نصرتی کرد بهرحال تصور میکنم آقای دکتر مصدق و شاهزاده فیروز میرزا فیروز و آقای فاطمی که در فارس تشریف داشته اند و حکمران بوده اند این شخص را بخوبی بشناسند که این آدم چه تصایبی است آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان نمایندگان فارس هم تصور میکنم بخوبی این شخص را بشناسند...
آقا سید یعقوب - بلی. سؤال هم راجع باین شخص کرده ام نمایانند جواب بدهند.
نوبخت - لهذا روی اینمقدمه اولاً خواستم این مطلب را بعرض آقایان نمایندگان برسانم و ثانیاً ندا بدهم که وزارت داخله این آدم را از شیراز مخصوصاً بطلبند بطهران و در همین جا محاکمه اش کنند که دیگر بعد نظیر این عملیات در نقاط مملکت واقع نشود.
رئیس - آقای اعتبار (اجازه)
میرزا سید احمد خان اعتبار - دیروز بنده شنیدم در اثر رأی جلسه قبل مجلس شورای ملی راجع بعدم خروج مسکوک طلا و نقره از سرحدات عده از تجار قبلاً فهمیده و شاید معادل بیست بسته شمش طلا بدون جواز از اداره گمرک بتاریخ امروز و دیروز برای حمل و نقل با دانه پست داده اند که به بمبئی فرستاده شود اداره پست را نمیدانم قبول کرده یا نه ولی تصور میکنم نظر مجلس این بوده و در قانون هم مخصوصاً قید شده که باید قانون بلافاصله اجرا بشود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند خواستم عرض کنم که یادداشت فرموده و بعد تحقیق نمایند که چطور شده است اداره گمرک بتاریخ یوم دوشنبه و یکشنبه جواز صادر کرده و اگر اداره پست تا بحال حمل نکرده اسر بدهند که حمل نکند و اگر هم حمل شده قدغن کنند که در سرحد جلوگیری شده و خارج نشود.
وزیر مالیه - احکام راجع با اجرای قانون منع خروج طلا و نقره که پریروز از تصویب مجلس شورای ملی گذشت همان روز بتوسط تلگراف بهمجا ابلاغ شد حتی با دانه گمرک هم قبل از اینکه قانون از مجلس برسد تأکید شد که سماعت از خروج نمایند و بهمجا تلگراف شد بوزارتخانه ها و اداره پست بهمجا اطلاع داده شد صورت آنها هم بمجلس شورای ملی تقدیم میشود. راجع به تمام اینها پریروز اقدام شده است.
رئیس - آن قانون در همان روزی که تصویب شد عصری بریاست وزراء ابلاغ شد و از طرف مجلس کوتاهی نشده است آقای عباس میرزا (اجازه).
عباس میرزا - بنده مختصر عرضی داشتم. مدتی است که چند فقره سوال از وزارت داخله کرده ام و نظریاتی که اگر جواب آنها بتأخیر بیفتد موضوع آنها ازین می رود استدعا می کنم حضرت آقای رئیس زودتر وزارت داخله را برای جواب دعوت کنند من جمله یکی از سؤالات بنده راجع بانتخابات سرآب و گرم رود است که در این چند ماهه که مجلس دائر است بطوری وزارت داخله اعمال نظریات خصوصی را شدت داده که مخالف با تمام قوانین است و با بودن مجلس شورای ملی این ترتیبی را که وزارت داخله

بهرتر و بالاتر از هر کس قدر و قیمت بشر را میداند دول و ملل حیه دنیای امروزه چه مخارجهای هنگفت بر قدر را برای ایجاد سرمایه سیمایند که بلکه در سال عدد معدود کمی از اهالی مملکتشان مبتلا به آن مرض شوند که محتاج به آن سرمایه شود. برتری آلمان را حتی سبزی نوسندگان فرانسه باز زیاد و کثرت تولد و تولید شان میداند سیگوند بواسطه همین آلمان قوی است پس بشر خیلی گران بها است خیلی باید مورد توجه باشند. حیث است با اسکان ایجاد وسائل زندگانی شان در این مملکت باین حالات شرم آور و ذلت فقر سالی صدها هزار تلف شوند.

روح توده ملت در این مملکت دو دسته میباشند یک دسته فلاح و زارعین که اکثریت را تشکیل میدهند مشاهده فرمائید چه حالات رفعت آوری زندگانی سیمایند نه خانه نه لانه نه لباس نه فرش در تمام دوازده ماه خود با زن و بچه ها در گرسا و سرما بیابانها کوهها درهها گرسنه پابرنه بسر سیرند حتی ساتر عورت ندارند با این حال در تحت شکجه های اربابها (که آقایان احتشام زاده و نوبخت هم شرحی از مصداق آنرا بعرض مجلس شورای ملی رسانند که بچه شکل مأمورین مالیه و عدلیه و مأمورین ادارات). اقویای خارج از انسانیت والله قلب هر قسی القلی از مشاهده وضعیتشان مجروح میشود. دسته دیگر گارگران شهرها و بلوکات همه با حالت بهت و حیرت سرگردان در کنار دیوارها و خرابه ها با سگ های محله ها از فقر هم آغوش وهم بستر چرا که کار نیست مدیر دلسوز نیست اینها را بکار بندازد هم اینها را از این وضعیت دلخراش خارج سازد هم دولت استفاده نماید.

تصور میکنم که اگر بزودی با هر قیمت که میسر شود جلوگیری از هجوم این عفريت مهلك فقر و پریشانی بشود و وسائل استخلاص ملت تهیه و موجود گردد البته بطور یقین در هر سالی نسبت به سال قبل صد تود و پنج تلفات کمتر خواهد بود. بنظر بنده این اصل حیاتی مقدم بر سایر اصول است اگرچه هر یک از اصول بجای خود مقام اهمیت دارد و باید عملی بشوند مثل این است یک نفر انسانی در زندگانی حوائج زیادی دارد لیکن مقدم بر همه تهیه مؤنه و سرمایه است که ساحتاج او را بوجود میآورد. پس اصل اقتصادی با لذات علت العلل واس اصول زندگانی و مقدم بر تمام اصول حیاتی بالطبع میباشد یقین دارم آقایان نمایندگان محترم با اطلاعات کامله که از فقر و بدبختی سرتاسر ایران بخوبی دارند تصدیق بلزوم سرعت در اقدام علاج این مرض مهلك که فقط بنده آن را تعبیر به فقر عمومی سیمایم میفرمایند. بدیهی است در عداد این مؤسسات و اصول که تا حال تقدیم مجلس شورای ملی شده و تقاضای تشکیل کمیسیون در حق هر یک فرمودند بنده هم تقاضا میکنم کمیسیون بنام کمیسیون اصلاحات اقتصادی از نمایندگان محترم بشود با جلب نظریات مطلعین و متخصصین پیشنهادات مؤثری تهیه کرده و با دولت وقت که خوش بختانه اکثر مواد پروگرام او موافق این آمال است تبادل نظر نموده با سرعت شروع باجاء آن نمایند بنابراین ماده واحده ذیل را بنام جلوگیری از فقر عمومی بساحت مجلس شورای ملی تقدیم مینمایم.

ماده واحده - مجلس شورای ملی کمیسینی مرکب از نه نفر از مطلعین باوضع اقتصادی از بین نمایندگان محترم بنام کمیسیون اصلاحات اقتصادی انتخاب مینمایند و به آنها اختیار میدهد که در حدود اصلاحات اقتصادی مطالعات کامله نموده و از سائرین که در امور اقتصادی دارای تخصص و اطلاعات کافی هستند جلب نظریات و مساعدت های فکری نموده و نتیجه مطالعات خودشان را مرتب تقدیم مجلس شورای ملی نمایند تا با تصویب نمایندگان اصلاحاتی در امور اقتصادی بعمل آید.

عضویت این کمیسیون منافی با عضویت در دو کمیسیون مطابق نظامنامه داخلی نخواهد بود. عمادی. کسی استوان - احتشام زاده.

آقایید یعقوب - - حالا دیگر اجازه میفرمائید وارد دستور شویم؟

رئیس - کسی هم اجازه نخواست است والا ماهم حاضریم. به کمیسیون سبتکرات فرستاده میشود، آقای خطیبی فرمایشی دارید؟ خطیبی - بنده هم چند سبت راجع بمطالبات چویداران گروسی سؤالی از وزارت داخله کرده ام و برای جواب حاضر نشده اند این است که از مقام ریاست استدعا میکنم مقرر فرمایند آقای وزیر داخله زودتر حاضر شوند و جواب بنده را بدهند که تکلیف این بیچاره ها هم معلوم شود.

رئیس - این هم ثانیاً اطلاع داده میشود، آقای کی استوان طرح قانونی راجع به کل معادن تقدیم مجلس کرده اند، به کمیسیون سبتکرات ارجاع میشود، طرح قانونی از طرف عده از آقایان تقدیم مجلس شورای ملی شده است راجع به اصلاح ماده ۱۰ نظامنامه داخلی که کمیسیون فواید عامه و سبت و تلگراف تجزیه شوده دو کمیسیون مستقل.

(طرح سبزیوریشخ ذیل خوانده شد)

خاطر محترم آقایان نمایندگان مستحضر است که در موقع تدوین نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی در سنه ۱۳۲۸ امور سبت و تلگراف و فواید عامه بواسطه نداشتن کار زیاد وزارتخانه واحدی بود و بهمین جهت در نظامنامه داخلی برای آن یک کمیسیون پیش بینی شد ولی حالیه تصدیق میفرمایند که کارهای زیاد و وظائف مهمه موجب آن شده است که این دو رشته امور سملکتی از یکدیگر تفکیک شده و هر کدام وزارتخانه علیحده تشکیل دهند و بهمین جهت لوایح و طرحهای راجعه به این دو وزارتخانه در مجلس شورای ملی حائز اهمیت زیاد سبت و مطالعه و دقت کافی لازم دارد و مقتضی است برای هر یک از این دو وزارتخانه کمیسیون علیحده تعیین و انتخاب شود لهذا اسضا کنندگان ذیل اصلاح ماده ۱۰ نظامنامه داخلی را بر ترتیب ذیل پیشنهاد و تصویب فوری آنرا از مجلس شورای ملی استدعا مینمایم:

ماده ۱۰ مجلس شورای ملی هر شش ماه مقارن تجدید هیئت رئیسه هشت کمیسیون از میان خود بطریق انتخاب جمعی معین میکند که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل و هر یک نظر به تعیین مجلس مرکب از شش الی دوازده عضو است:

(۱) کمیسیون خارجه. (۲) کمیسیون داخله. (۳) کمیسیون نظام. (۴) کمیسیون عدلیه. (۵) کمیسیون قوانین مالیه. (۶) کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۷) کمیسیون سبت و تلگراف. (۸) کمیسیون فواید عامه و فلاح و تجارت و صنایع. این کمیسیونها بهیچوجه با سایر کمیسیونهایی که ممکن است مجلس تشکیل آنها را رأی دهد منافات نخواهد داشت. امیر تیمور کلای، فهیم، بهبهانی، مهدوی، عباس، فیروز، حبیب الله امین، (و سبت امضای دیگر)

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - البته خاطر محترم آقایان مستحضر است که غالب از وزارتخانه ها در ابتدای مشروطیت منضم بهم بود، مثلاً سبت و تلگراف با وزارت داخله بود، معارف و فواید عامه هم یکی بود بعد سبت و تلگراف مستقل شد، فواید عامه و معارف هم مجزا شدند یعنی رفته رفته کارها که زیادتر شد دو وزارتخانه تشکیل دادند حالا هم کارهای فواید عامه زیاد است و رفته رفته هم زیادتر خواهد شد همینطور سبت و تلگراف اهمیت دارد به این جهت لوایحی که میآید چون به یک کمیسیون می رود موجب تأخیر میشود این است که استدعا شده است همانطور که برای وزارتخانه های دیگر یک کمیسیون خاص معین شده است یک کمیسینی هم برای فواید عامه معین شود و این پیشنهاد هم عین ماده ۱۰ نظامنامه داخلی است نهایت لفظ هفت بهشت کمیسیون تبدیل شده و در قسمت آخر هم فواید عامه و سبت و تلگراف از هم مجزا شده است والا اصل همان است و تغییری داده نشده.

رئیس - مقصود از فوریت دو فوریت است؟

فهیمی - بل.

آقایید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - فوریت مطرح است اصلاح که مطرح نیست، آقای بیات. (اجازه)

بیات - موافقم.

رئیس - آقای داور.

داور - موافقم.

رئیس - آقای اعتبار.

میرزا سید احمد خان اعتبار - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - بنده در فوریت عرضی ندارم.

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت اول آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، رأی گرفته میشود بفوریت ثانی، مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت ثانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینکه یک کمیسیون علیحده برای وزارت سبت و تلگراف تهیه شود بنده مخالف نیستم ولی با جزء آخرین طرح مخالفم، در اینکه فواید عامه یک کمیسیون مخصوص میخواهد و خیلی هم مخصوصاً در نظرمان است که اقتصادیات مان را ترقی بدهیم حرفی نیست ولی یک عبارتی نوشته است که این کمیسیونهای هشت گانه منافاتی با کمیسیونهای دیگری که تشکیل میشود ندارد، چون یک ماده دیگری در نظامنامه هست که این کمیسیونهای معمولی اعضایی که در آنجا هستند هر نفر از آنها نمیتواند در بیشتر از دو کمیسیون عضویت داشته باشد حالا اگر این جمله آخر مخالف با عبارت نظامنامه است بنده مخالفم چونکه عده نمایندگان روز بروز زیادتر میشود و شاید صد و سبت و صد و سی نفر برسد و البته تمام آنها حق دارند که در این کمیسیونها حاضر شوند و در واقع حق بهمه شان داده شود که در کمیسیونها باشند در اول هم نظر سبتن همین بوده است و همین قسمت را سلا حظه کرده اند که تمام نماینده ها در کمیسیونها اشتغال بکار داشته باشند. حالا اگر این قسمت با عبارت نظامنامه مخالف نیست بنده موافقم ولی آخر ماده عبارتی نوشته شده است که با ماده نظامنامه مخالفت دارد زیرا ماده نظامنامه میگوید که در دو کمیسیون بیشتر نمی شود عضویت داشت.

رئیس - این قسمت را که اشاره کردید عین عبارت آخر ماده ۱۰ نظامنامه داخلی است و جزو پیشنهاد جدید نیست. مقصود از این عبارت که این کمیسیونها بهیچوجه با کمیسیونهایی که ممکن است مجلس رأی به تشکیل آنها بدهد منافاتی ندارد این است که کمیسیونهای مشکله که در نظامنامه قید شده است منحصر به این کمیسیونها نیست.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

شیروانی - بنده عرضی دارم.

رئیس - فرمایید.

شیروانی - عرض کنم سبأله نظامنامه و تغییراتی که در نظامنامه داده میشود (حالا این یک موضوعی است و خیلی هم اهمیت ندارد و بنده مخالفی هم در اساسش ندارم) ولی بنده معتقدم که این راه را نباید باز کنیم که در هر موقع که سبأد با موضوعی بشویم یکی از مواد نظامنامه را جرح و تعدیل بکنیم. بعقیده بنده نظامنامه مجلس در درجه دوم قانون اساسی واقع است بنابراین باید در تغییراتی که در نظامنامه داده میشود یک قدری بیشتر دقت شود. در دوره گذشته یک کمیسیون نظامنامه تشکیل شد با حضور آقای پیرنیا و چند نفر دیگر از آقایان و یک تغییراتی هم در مواد نظامنامه از نقطه نظر غیر عملی بودنش داده شدن جمله اصلاح کمیسیونها بود و چون از روی یک تناسبی کارها بین کمیسیونها تقدیم نشده بالاخره صورت خاصه خرجی را پیدا کرده و حالا میخواهیم یکی دیگر هم بر عده این کمیسیونها زیاد کنیم آنوقت ملاحظه میفرمائید کمیسیون داخله یا همین کمیسیون

کمیسیون پست هر شش ماه یک مرتبه یک لایحه وارد آن میشود ولی کمیسیون بودجه یا سالیه همیشه چندین فقره لایحه پشتسر هم آنجا موجود است این است که بعضی کمیسیونها فوق العاده پرمشغله هستند و بعضی کمیسیونها کم کارند این بود که در آن نظامنامه جدید که در دوره پنجم از کمیسیون گذشت نظرشان به این قسمت بود که طوری تقسیم بندی نمایند که همه کمیسیونها کار داشته باشند و بالاخره صورت خاصه و خرجی* از بین برود و حالا بنده می بینم برعکس قضیه شده است یعنی یک کمیسیون کم کاری میخواهم درست کنیم و آنوقت یک کمیسیونهای دیگرمان بقدری کار زیاد دارند که باید هفته چندین مرتبه جلسه تشکیل بدهند و باز بکارشان هم نرسند...

یک نفر از نمایندگان - مانعش چیست؟

شیروانی - البته مانعی ندارد این کار ولی نفعی هم ندارد و حالا چون توی این ماده دست برده اند بنده هم میخواستم ضمناً این قسمت را متذکر شوم که در این ماده بنده می بینم هیچ کجا اسمی از صحیه برده نشده و تذکری در این باب داده نشده چون صحیه حالا جزو وزارت داخله است لویجس می رود به کمیسیون داخله ولی یک روز وزیر معارف یک آدم قوی میشود صحیه را میبرد جزو معارف یک وقت وزیر داخله مان آدم فعالی بود گفتیم صحیه برود جزو وزارت داخله و این برای این بود که جای صحیحی صحیه نداشت و بنده عقیده ام این است که حالا باید در موقع تعیین این کمیسیونها تکلیفش را معین کرد و بنده پیشنهاد میکنم که عجاله بعد از کمیسیون داخله کلمه (صحیه) هم اضافه شود.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - این اظهاری را که آقای شیروانی بیان فرمودند گمان میکنم در اصل مسأله اشکالی نباشد برای اینکه در ضمن عمل به یک اشکالاتی برخورد اند و تجربه کرده اند دیده اند که باید یک اصلاحات اساسی در این قسمت بشود و اما اینکه اظهار فرمودند که در بعضی مواقع نظامنامه تغییر پیدا نکند عرض میکنم چون نظامنامه برای سهولت در عمل است و البته در یک موقعی که آقایان نمایندگان دیدند یک ماده از نقطه نظر سرعت جریان در عمل لازم است یک تغییراتی در آن بشود ممکن است تغییر داد و هیچ اشکالی هم ندارد و تغییر این ماده هم بعقیده بنده یکی از آن مواقعی است که در جریان عمل خیلی اسباب سهولت است و هیچ اشکال قانونی هم ندارد و برای سرعت عمل خیلی مفید است که این ماده را تصویب کنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود کمیسیون امور خارجه و کمیسیون مالیه.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - این پیشنهاد بنده اصلاح عبارتی است. در جزو کمیسیونها نوشته شده است (کمیسیون خارجه) بنظر بنده اگر نوشته

شود (کمیسیون امور خارجه) بهتر است و هم چنین در ثانی نوشته شده است (کمیسیون قوانین مالیه) این لغت هم فقط در این کمیسیون معمول شده است در صورتیکه همه کمیسیونها کمیسیون قوانین است کمیسیون عدلیه هم کمیسیون قوانین عدلیه است کمیسیون داخله هم کمیسیون قوانین داخله است و اینجا هیچ خصوصیتی ندارد که فقط کمیسیون مالیه اختصاص داشته باشد به این کلمه.

رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - قسمت اولش را بنده هم تصدیق میکنم ولی راجع بقسمت دوم در نظامنامه یک نکته داشته که در آنجا این مسأله پیش بینی شده است برای اینکه امور مالی دو قسمت است یکی امور بودجه و یکی دیگر قوانین مالی و اگر ما در اینجا این موضوع را در نظر بگیریم ممکن است بعضی لویج با مسائل بودجه اشتباه شود. این است که تصور میکنم قوانین مالیه نوشته شود بهتر است و هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - خوب تجزیه می کنیم این پیشنهاد را. اول رأی میگیریم باضافه کلمه امور و این طور میشود (کمیسیون امور خارجه) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بقسمت دوم پیشنهاد آقای یاسائی که بجای کمیسیون قوانین مالیه نوشته شود: (کمیسیون مالیه) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پس همان قسمت اول پیشنهاد ایشان صحیح است و تصویب شد. دیگر پیشنهادی نیست.

شیروانی - صحیه را هم بنده پیشنهاد کردم.

رئیس - فعلاً که صحیه جزو وزارت داخله است و اگر راجع بصحیه لایحه بیاید به کمیسیون داخله خواهد رفت.

شیروانی - بسیار خوب.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده پانزده.

طباطبائی دیبا - این پیشنهاد با این ترتیب که خوانده شد لفظ انتخاب قبل از هیئت رئیسه نبود در صورتی که در ماده پانزده هست و در اینجا هم باید باشد.

رئیس - کلمه انتخاب افتاده است؟

طباطبائی دیبا - بلی.

رئیس - کلمه انتخاب هم قبل از هیئت رئیسه اضافه میشود. رأی گرفته میشود باین ماده پانزده با اصلاحاتی که مورد تصویب واقع شد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. این ماده از کی اجرا خواهد شد؟ جمعی از نمایندگان - از امروز.

رئیس - از امروز؟ بسیار خوب چون کمیسیونها انتخاب نشده است بنابراین عده اعضای کمیسیون پست و تلگراف چه قدر خواهد بود؟

قانون و برطبق اعلان منتشره از صبح بیستم مرداد برای اخذ شکایات و در ظرف هفته دیگر برای رسیدگی بشکایات حاضر و شکایات واصله را مورد دقت قرار داده و هیچکدام را وارد ندانسته. شعبه نیز در جلسات عدیده خود نسبت با اعتراضات واصله بهیئت نظار و مجلس شورای ملی تحقیقات لازمه نموده و اعتراضات را غیر وارد و با کثرت نمایندگی آقای سیرزا ابوالحسن خان ثقة الاسلامی را که با کثرت (۹۶۲۶) رأی از مجموع (۶۹۰۰) رأی انتخاب شده اند تصدیق و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی از شهر تبریز و توابع. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای جهانشاهی از تبریز.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تفصیل جریان انتخابات بشرحی است که در راپورت نمره (۱) بعرض رسیده اینک متعاقب راپورت مزبور جریان انتخاب آقای مصدق الملک جهانشاهی را که با کثرت (۱۲۳۳۱) رأی از (۶۹۰۰) رأی بنمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه تبریز انتخاب شده اند معروض نظر باینکه در قسمت انتخاب ایشان فقط یک فقره اعتراض در دوسیه موجود بود که نه انجمن و نه شعبه بآن ترتیب اثر از نقطه نظر قانون میتوانست بدهد بنده علیهذا شعبه جریان انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - رأی گرفته میشود باین خبر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

(راپورت شعبه اول راجع بنمایندگی آقای اسکندری از تبریز (بشرح ذیل قرائت شد)

چنانچه در راپورت نمره (۱) بعرض رسید آقای نصرت الله خان اسکندری با کثرت (۱۳۵۷۶) رأی از (۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون در قسمت ایشان اعتراض قابل توجهی نه بانجمن در موقع انعقاد آن برای اخذ رسیدگی بشکایات و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بنده علیهذا شعبه یک جریان انتخاب ایشان را تصدیق و صحت نمایندگی ایشان را تصویب مینماید.

رئیس - آقای زوار (اجازه)

حاج امده الله زوار - مخالفم.

رئیس - سیمانه برای جلسه بعد. خبر چهارم از شعبه اول راجع بنمایندگی شاهزاده محمدولی میرزا

(بترتیب ذیل خوانده شد)

چنانچه در راپورت نمره (۱) بعرض رسید شاهزاده محمدولی میرزا فیروزیا کثرت (۱۶۵۸۵) رأی از (۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون اعتراض بایشان دائر بآراء تردیدی در راپورت چاپی مشروحاً بعرض

بعضی از نمایندگان - شش نفر.

روحی - اجازه مینمائید بنده عقیده دارم کمیسیون پست و تلگراف فقط شش نفر باشد کافی است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی در جلسه گذشته مطرح بود و آقای آقاسید یعقوب مخالف بودند آقای افشار (اجازه).

افشار مخبر شعبه - بطوری که آقایان محترم میدانند برای نوشتن خبر یک اصول مسلمی نیست نوشتن خبر بسته است بمیل مخبر و البته هر مخبری هم یک سلیقه دارد و بنده هم یک سلیقه داشتم در نوشتن این خبری که آقای آقاسید یعقوب بآن مخالفت کردند و حالا بنده برای اینکه تولید هیچ نوع کشمکش در مجلس راجع با انتخابات آذربایجان نشود آن خبر را پس گرفتم و خبرهای دیگری تهیه کرده ام راجع باشخاص که الان تقدیم میکنم.

(خبرهای مزبوره را تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - نسبت بخبری که استرداد می کنند مخالفی نیست؟ یک نفر از نمایندگان - خیر

(خبر جدید شعبه اول راجع بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی از تبریز بشرح ذیل خوانده شد) بتاريخ لیله ۲۸ اسفند ۱۳۰۴ مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ نفر از طبقات سته و معتمدین محل بعمارت ایالتی دعوت و با حضور ۳۵ حضار با رأی مخفی نه نفر اعضای اصلی و نه نفر اعضای علی البدل برای انجمن نظارت مرکزی شهر تبریز و توابع برای انتخاب نمایندگان دوره ششم انتخاب و سپس مطابق ماده ۱۶ قانون شروع به تشکیل انجمنهای فرعی و شعب در حومه های تابعه شده و پس از تعیین و تشکیل انجمنهای فرعی بموجب ماده ۲۱ قانون از طرف انجمن نظارت مرکزی اعلان انتخابات منتشر و در مدت ۲۵ روز از صبح ۱۳ اردیبهشت تا غروب ششم خرداد با حضور سه نفر نماینده کمیساریاهای محلات مشغول دادن تعرفه و اخذ آراء شده و پس از انجام توزیع تعرفه و اخذ آراء بموجب ماده ۲۹ قانون در هشتم خرداد اوراق آراء مأخوذه از شهر تبریز شمرده شده و عده آن بالغ برده هزار و هشتصد و سی و هشت ورقه بوده ولی در عین قرائت آراء که هر حوزه در دفتر مذاکرات ثبت و نمره ترتیبی در پشت اوراق آراء قید می شده معلوم میشود عده آراء قرائت شده بالغ برده هزار و هشتصد و چهل و نه ورقه بوده بنابراین ۵۵ ورقه از کلیه عده اوراق تعرفه کسر بوده است مطابق ماده ۳ قانون بعد از شماره اوراق آراء بارعایت مواد قانون در روز نهم خرداد شروع بقرائت آراء گردیده. و در بیست و یکم تیرماه قرائت آراء خاتمه یافته و از مجموع آراء شهر تبریز چهارصد و شصت و یک ورقه از اوراق آراء سفید و باطله و لایقره بوده است که عین ضمیمه صورت مجلس است. حائزین اکثریت شهر تبریز و توابع یازده گانه بقراری است که در راپورتهای جداگانه تفصیل اساسی دارندگان اکثریت آراء بعرض خواهد رسید. انجمن مرکزی پس از خاتمه انتخابات شهر و توابع مطابق ماده ۱۴

رسیده لذا بدون آنکه لزوم تکرار راجیز بدانند شعبه یک با کثرت آراء نمایندگی ایشان را تصویب و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای زوار (اجازه)

زوار - مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبرینجم از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای فرشی.

(بشرح آتی خوانده شد)

چنانچه در راپورت نمرة (۱) بعرض رسید آقای فرشی با کثرت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون در قسمت ایشان اعتراض قابل توجهی نه بانجم در موقع انعقاد آن برای اخذ و رسیدگی بشکایات فرعی و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بناء علیهذا شعبه یک جریان انتخاب ایشان را تصدیق و صحت نمایندگی ایشان را تصویب میماند.

رئیس - آقای زوار مخالفند؟

زوار - بلی

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر ششم از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای دکتر رفیع خان از تبریز.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

تفصیل جریان انتخاب شهر و توابع تبریز را در راپورت نمرة (۱) بعرض رساند. اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای دکتر رفیع خان اسبن را که با کثرت (۹۲۶۹) رأی از (۶۹۰۰) رأی بسمت نمایندگی از حوزه انتخابیه تبریز منتخب شده اند معروض چون در قسمت انتخاب ایشان اعتراض قابل توجهی نه بهیئت نظار در موقع قانونی اعتراضات و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بناء علیهذا شعبه صحت جریان انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای زوار.

زوار - مخالفم.

(راپورت شعبه اول راجع بنمایندگی آقای عدل بشرح ذیل خوانده شد) چون تفصیل جریان انتخاب شهر و توابع تبریز مشروحاً در ورقه چایی معروض و در دست رس آقایان نمایندگان است بناء علیه بدون تکرار آن خبر انتخاب آقای میرزا یوسف خان عدل را که با کثرت (۱۶۴۲۶) رأی از (۶۹۰۰) رأی بنمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شهر و توابع تبریز منتخب شده اند تقدیم و فقط اضافه مینماید که بایشان اعتبارنامه غیرچایی شبیه باعتبار ناسهای طهران صادر شده است چون شعبه اعتراضات مربوطه بایشان را غیروارد دید لهذا با کثرت انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آن را تقدیم مینماید.

رئیس - این را هم قبلاً آقای زوار مخالفند.

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای اعتبار

میرزا سیداحمدخان اعتبار - مخالفم

رئیس - آقای زوار شما چه طور؟

زوار - بنده هم مخالفم.

رئیس - میماند برای بعد. لایحه وزارت مالیه راجع بپرداخت دودوازدهم در جلسه گذشته تقدیم مجلس شده بود و تقاضای فوریت هم شده است.

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس مقدس شورای ملی شیداللهار کانه برای آنکه در انجام مهم امور مملکتی تأخیری رو ندهد از نمایندگان محترم تمنا میشود بفوریت ماده واحد ذیل را تصویب فرمایند.

ماده واحد - وزارت مالیه سجاز است مخارج دولتی را برای دوماه مهر و آبان ۱۳۰۵ در حدود دو دوازدهم بودجه مصوب ۱۳۰۴ کارسازی نماید.

رئیس - فوریت این لایحه مطرح است چون یک شور بیشتر ندارد و مقصود از فوریت این است که در مجلس مطرح شود آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اساساً با این ترتیب راپورت مخالفم و این یک ترتیبی بود که خدا بگویم چه کارشان بکنند که در دوره پنجم به سر مجلس آوردند. بنده نمیدانم پس کمیسیون بودجه برای چیست؟ در دوره ششم برای خاطر اینکه کابینه هنوز تشکیل نشده بود که بودجه راپیاورد بمجلس و برود بکمیسیون بودجه در موقع ناچاری مجلس برای حفظ انتظامات مملکتی قبول کرد که بدون اینکه در کمیسیون بودجه برود تصویب نماید ولی الان کمیسیون بودجه بعین است. کاری هم ندارد مجلس هم که با دولت موافق است. این لایحه می رود کمیسیون بودجه روز پنجشنبه میاید بمجلس و رأی میدهیم و بنده با فوریتش مخالفم.

وزیرمالیه - اولاً بودجه ها تمام حاضر است و بطوریکه در کمیسیون هم بعرض آقایان رسید شاید تا روز شنبه تقدیم مجلس شود و تصور نمیکنم که این فقره رابتوان گرو بودجه نگاه داشت و البته اگر وقت مضیق نبود همانطور که سفیرمایند این مسئله رجوع بکمیسیون بودجه میشد و اهمیتی هم نداشت لیکن چون وقت مضیق است و مهراه هم عجاله تمام میشود این است که این پیشنهاد تقدیم میشود و سلاحه میفرمائید که این پیشنهاد هم مطابق بودجه مصوبه مجلس است و البته اگر در بودجه ها یک محل هائی علاوه بر این مسئله خواسته باشند البته پیشنهاد خواهد شد که بعد از تصویب مجلس بموقع اجراء گذاشته شود ولی فعلاً این بودجه مصوبه ۱۳۰۴ که محل عمل وزارت مالیه است این پیشنهاد هم از روی آن بودجه است و چون وقت مضیق است و ادارات هم همیشه در آخر ماه حقوقشان را میگرفته اند یقیناً آقایان نمایندگان تصدیق خواهند فرسود که این دفعه برای اینکه یکساعت آقایان وقتشان را صرف این کار بکنند ادارات از این ترتیبی که تاحال معمول بوده و حقوقشان را در آخر ماه میگرفته اند عقب بیفتند.

(۱۱۸۱۷) رأی از (۶۹۰۰) رأی بسمت نمایندگی شهر تبریز و توابع انتخاب شده اند معروض چون دایر بان انتخاب ایشان اعتراض قابل توجهی نشده است هیئت نظار و شعبه اعتراضات واصله را غیر وارد دانسته اند این است شعبه با تصدیق صحت جریان انتخاب نمایندگی ایشان را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر دیگر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای جوان شیراز تبریز.

(خبر مذکور را آقای مخبر بشرح ذیل خواندند)

راپورت انتخابات شهر و توابع تبریز را مشروحاً در راپورت نمرة ۱ معروض اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای جوان شیر را که با کثرت (۱۰۹۶۲) رأی از (۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی انتخاب شده اند معروض چون فقط یک فقره اعتراض در دوسیه بر علیه ایشان موجود بود که نه هیئت نظار و نه شعبه آنرا وارد ندید بناء علیهذا با کثرت جریان انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آنرا تقدیم میدارد.

بهار - آقا بنده اشتباه کردم با این راپورت مخالفم چون راپورت را آهسته خواندند بنده درست ملتفت نشدم بنده با قسمت آقای لیقوانی مخالفتم ندارم با این قسمت مخالفم.

رئیس - با قسمت آقای لیقوانی مخالف نیستید؟

بهار - خیر.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای لیقوانی از تبریز آقایانی که تصویب میکنند قیام بفرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. (خطاب به آقای بهار) نسبت به جوان شیر مخالفید؟

بهار - بلی.

رئیس - این کی هست؟

بهار - والی زاده است.

(خبر شعبه سوم راجع بان انتخابات شوشتر و توابع را آقای اعتبار بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم دومیه انتخابات شوشتر را تحت نظر گرفته و نتیجه را بشرح ذیل بعرض مجلس میرساند: در ليله اول فروردین ماه ۱۳۰۵ حکومت با رعایت ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ نفر را برای تشکیل انجمن دعوت و در همان شب اعضاء اصلی و علی البدل انجمن مرکزی برای مخفی انتخاب میشود. در ليله دهم فروردین انجمن هیئت عامله خود را تعیین و برای تشکیل انجمنهای فرعی نامری ، رام هرمز و توابع تصمیمات لازم اتخاذ میکند بر طبق اعلانات مستشر از تاریخ دوم شهرشوال الی هشتم را برای توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین و انتخابات را به جریان می اندازد و برای تشکیل شعب میان آب و عقیلی و گنوند ماسورین مخصوص از طرف انجمن و حکومت اعزام و انتخابات شوشتر را خاتمه میدهند در نتیجه شکایات واصله وزارت داخله تشخیص میدهد که انجمن و حکومت

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - بنده موافقم.

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - آقای وزیر مالیه فرسودند بودجه ها حاضر است و عنقریب هم بمجلس میاید بنده عرض میکنم اگر بودجه ها حاضر است به چه مناسبت دودوازدهم میخواستند و بنده این حرف را ناقص فرسایش خودشان میدانم بعلاوه کمیسیون بودجه هم کاری ندارد این لایحه می رود و در آنجا رسیدگی میشود بعد میاید بمجلس این است که بنده عقیده ندارم فعلاً مطرح شود.

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - عرض میکنم در این جا دو مرحله است یکی فرستادن بودجه است بمجلس شورای ملی و یکی تصویبش بعقیده بنده تصویبش وقت لازم دارد و بیاضافه آقای وزیر مالیه تصریح کردند که کار ادارات مختل میشود زیرا کارهای ادارات یکطوری است که نمیشود بتأخیر انداخت و هر کس هم باین نوع حقایق ناظر است میداند که گاهی پول برای روز لازم است نه برای ماه و فوری بودن این نوع لویح هم نزد ما معروف بوده و کراراً هم درش مذاکره شده است.

وزیرمالیه - آقای روحی اظهار داشتند که اگر بودجه ها حاضر است چرا پس لایحه دو دوازدهم را تهیه کرده ایم بنده تصور میکنم که در مجلس شورای ملی یک وزیر نمیتواند برخلاف عرضی بکند البته اگر بنده اطلاع نداشتم که بودجه ها حاضر است و تقدیم میشود در مجلس عرض نمی کردم حتماً روز شنبه تقدیم خواهد شد زیرا لوائح مقدساتیش هم حاضر است آورده اند و امضاء هم شده است بعلاوه راجع به دودوازدهم که فرمودند این برای یک مصارفی است که البته بایستی رعایت آن مصارف بشود و بعلاوه تدارکاتی است که برای دو ماه باید بشود این اجازه برای دوماه یک چیز با اهمیتی نیست آنهم در صورتی که بودجه اش تصویب شده است و تصور نمیکنم که محتاج باین قدر بحث و مذاکره باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت این لایحه یعنی شور در مجلس وعدم ارجاع بکمیسیون بودجه آقایان موافقتن قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - فوریتش تصویب نشد. مطابق لوائح عادی ارجاع میشود بکمیسیون بودجه آقایان موافقتن چند دقیقه تنفس داده شود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس - خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای لیقوانی از تبریز مطرح است.

(آقای افشار مخبر شعبه راپورت مزبور را بترتیب ذیل قرائت نمودند)

راپورت جریان انتخابات شهر و توابع در خبر نمرة ۱ بعرض رسیده اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای لیقوانی را که با کثرت

رعایت مفاد تبصره ماده (۱۶) را نکرده و انتخابات را بدست مأمورین اعزامی بحریان و خاتمه داده و آراء و توابع را با آراء شهر شوشتر مخلوط و استخراج کرده اند وزارت داخله این عمل را خلاف قانون دانسته و اسر به ترمیم و تجدید انتخابات شوشتر و توابع شوشتر میدهد انجمن مرکزی شوشتر برای مرتبه نانی اعلانات لازمه را منتشر و از ۱۴ محرم الی ۲ محرم در شهر تعرفه توزیع و اخذ رأی مینماید شعب فرعی راهم بارعایت تبصره ماده ۱۶ در توابع مجدداً تشکیل و با دقت های لازم انتخابات را خاتمه میدهد. مجموع تعرفه توزیع شده و آراء مأخوذه در شوشتر و انجمنهای فرعی ناصری ورام هرمز و توابع (۶۵۷۵) ورقه در نتیجه استخراج و قرائت آراء آقای سیرزا مهدی خان بنی سلیمان با (۳۹۰۹) رأی اکثریت مرتبه اول راجع بوده اند انجمن پس از طی مدت قانونی اعتبارنامه صادر و بارعایت ماده ۲ قانون انحلال خود را اعلام میدارد.

شعبه با سراجعه بدوسیه و دقت های لازم صحت جریان انتخابات شوشتر و نمایندگی آقای سیرزا مهدی خان بنی سلیمان را تصدیق و خیر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

رئیس — رأی گرفته میشود بنماینده آقای بنی سلیمان از حوزه انتخابیه شوشتر آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. شروع میشود با انتخاب کمیسیونهای معموله بدو دوفتر به قرعه سعین میشود برای نظارت بعد هم خبر کمیسیون بودجه راجع به تأسیس بانک رهنی مطرح میشود (اقتراع بعمل آمده آقایان موافق و طباطبائی و کیلی بحکم قرعه برای استخراج آراء معین شدند)

رئیس — از طرف عدله از آقایان پیشنهاد شده است که اعضاء کمیسیون خارجه ۹ نفر باشد مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان — خیر.

رئیس — آقایان نظار تشریف ببرند آن اطاق برای اخذ آراء آقایان یعقوب — اجازه میفرمائید یک تذکری عرض کنم؟

رئیس — بفرمائید.

آقایان یعقوب — بنده کاسلا در وضع عمارت دقت کرده ام و اشکالاتی پیش آمده است متوجه شده ام مطابق وضع ساختمان این عمارت باید ورقه که داده میشود از این جا بدهند و از درب سمت راست بیایند این بود که خواستم آن دوفتر ناظر را تذکریدم که ورقه که داده میشود همین جا بدهند و از این درب بیایند و از آن طرف هر کس آمد ورقه رأی او را نگیرند. سابقاً در این کار بودم بواسطه همین موضوع در زحمت بودم این بود که خواستم این سابقه را تذکریدم که تولید اشکال نشود.

رئیس — این اشکال از اینجا پیدا شده است که پاکتهائی که برای نوشتن آراء تهیه میشود در اطاق جنب است و طبعاً باید از این راه بروند و اگر بخواهید این نظریه شما تأمین شود باید پاکته در همین جا توزیع شود.

بعضی از نمایندگان — همین جا توزیع شود.

رئیس — (خطاب به سوزع اوراق رأی) پاکت ها را همین جا

توزیع کنید و خود آقایان راجع به کمیسیون بشود رویش یادداشت خواهند کرد. خبر کمیسیون بودجه راجع به تأسیس شعبه بانک رهنی مطرح است. ضمناً آقایان هم دوفتر دوفتر از این طرف (اشاره بطرف دست راست) تشریف ببرند و از آن طرف (اشاره بطرف دست چپ) مراجعت بفرمایند که مجلس از اکثریت نیفتد. شورد در کلیات این لایحه است آقای عمادی اجازه خواسته اند. در کلیات مخالفید؟

آقایان سیرزاعلی عمادی — بلی.

رئیس — بفرمائید.

عمادی — عرض بنده در این است که دولت در تجارت و کسب حتی الامکان والقدرة نباید دخالت کند و اینهم چون یکی از منابع آکنسای ملیت است دولت نباید دخالت کند بلی در موقعی که اینها بخواهند ظلم و تعدی و تجاوز بکنند البته دولت باید جلوگیری کند و بنام تسهیل حال ملت و رفاه عمومی میتواند این مؤسسه را تشکیل بدهد این است که مخالفت بنده فقط نسبت باین قسمت است و ممکن است فعلاً دولت برای کسانی که تا بحال مشغول کسب کردن در این راه هستند و اعاشه میکنند بآنها باین میزان از مرایحه که خودشان در نظر گرفته اند یک اجل مضروبی سعین بفرمایند اگر چنانچه آنها قبول نکردند آنوقت خودشان برای تسهیل امور ملت اقدام کنند.

رئیس — آقای مخبر (اجازه)

شیروانی مخبر — یکی از مصدقین این عقیده (آقا) شاید سایر همکاران سن شاهد باشند همیشه بنده بوده ام که دولت نباید کسب بکند ولی موضوع کسب با تأسیس بانک بکلی فرق دارد بانک در قسمت صرافی جزو کسبهائی نیست که اگر دولت بایک رقیب مقتدری پیدا شود رقابت او سبب شود عدله کسبه ازین برونند بلکه تأسیس بانک در مملکت (اغلب ممالک دنیا هم بانکهای دولتی بهمین مناسبات دارند) برای کمک به کسب است. برای کمک با افراد ملت است و از چندین نقطه نظریک قسمت بانک مربوط به معاملات براتی است اگر دولت همیشه یک مؤسسه بانکی نداشته باشد ممکن است در یک مملکتی چند بانک در معاملات بانکی طوری قیمت صرف برات و معاملات براتی را بالا ببرند که اسباب شکست بازاریک مملکتی بشود. یک کار بانک کمک به فلاحت و تجارت و دادن سرمایه سوتقی به اشخاص برای اعمال اقتصادی است و باید دولت همیشه سرمایه و بانکهای سوجود داشته باشد که در مواقع لازمه با فراد مردم مخصوصاً بازار کمک بکند در مقابل بانکهای خارجی. یکی از قسمتها که در غالب نقاط دنیا دولتها دارند بانک رهنی است بانک رهنی برای رفاهیت طبقه فقراء وضعاء است ما اگر بخواهیم این کسب را آزاد بگذاریم در دست یک اشخاص این کسب برای مردم مخصوصاً روز بروز بدبختی فراهم می کند مخصوصاً ما در اینجا هم پیش بینی کرده ایم که مؤسسات رهنی با اینکه در سایر ولایات کمتر هست در آنجاها هم شعبات این مؤسسه تأسیس شود. در طهران می دانید که مؤسسات رهنی چه بسا مردم می آورند و کسانی که طرف احتیاج با آنها هستند طبقه دوم و سوم و اشخاص بی بضاعت هستند که مجبورند اسوال خودشان را ببرند آنجا بگذارند

برای اعاشه روزمره شما اگر نخواهید یک رقیب قوی در مقابل اینها ایجاد کنید هستی مردم بعد از یک مدتی مرکزیت پیدامی کنند در این چند مؤسسه. این است که چندین نقطه نظر اقتصادی تأسیس بانک رابه دولت اجازه داده است که با این مؤسسه ها رقابت کند و تصور می کنم ایراد آقا وارد نباشد.

رئیس — آقای روحی (اجازه)

روحی — بنده اصولاً با این لایحه کمال موافقت را دارم و حقیقه می توانم بگویم این هم یکی از خدمات برجسته شخص دکنر میلسیو به اقتصادیات مملکت است ولی از یک جمله استفاده می کنم که در اینموقع که دولت یک همچو لایحه را آورده است میزان فرع و اصول مرایحه را که در این مملکت جاری است بعرض آقایان برسانم که دولت در این مسئله دیگر ساکت ننشسته و یک اقداماتی بکند. مسئله فرع در دنیا یک اصلی است که یک قرارهائی دارد. صد، هفت سنهای فرع است.

آقایان یعقوب — عنوان فرع نیست.

روحی — اول لایحه نوشته است تنزیل.

بعضی از نمایندگان — حق الحفظه است.

روحی — خوب بنده هم به عنوان مال المصالحه داخل مطلب می شوم. عرض می کنم موضوع مال المصالحه در مملکت ما از صد و چهل و هشت تا صد و پنجاه گرفته و حداقل آن صد هجده است و این مسئله اسباب بدبختی و فقر و فلاکت را در مملکت ایجاد نموده است تجارت را لطمه می زند. دهات را سخر و بگذاشته است. در یک مملکتی (که واقعا می توان گفت ایران یک سوزه ایست از طبیعت) نه یک موزه اش دست خورده و نه یک شرکت اقتصادی در این مملکت تشکیل یافته و نه دارای یک وسایط نقلیه است. اشخاصی که یک مقدار پولی دارند یا بعنوان حق الحفظه یا مال المصالحه مردم را می چابند و یک دینار هم به دولت نمی دهند دفاترشان را باز کنید به بیند این وزیر مالیه در قلم مالیات مملکتی یک دینار از این بابت به دولت می دهد؟ دولت باید یک ترتیب صحیحی در این کار اتخاذ کند و اصولاً یک قانونی بیاورد که در مملکت پیش از صدی دوازده معامله نشود و این حداکثر باشد اگر این مسئله درست شود عنقریب است که دهات مخروبه آباد شود تجارت راه می افتد. ممکن است شرکت های اقتصادی تشکیل پیدا کند و بعلاوه مردم هم استفاده کنند والا با این وضعیت بنده عقیده ام این است مملکت دارد رویه نیستی می رود و اگر جلوگیری نشود اسباب زحمت می شود. هزار تومان بگذاریم به صدی بیست و چهار به بیند فرعش در ظرف ده سال چقدر می شود تمام پول طهران را ممکن است به بلعد و تصور می کنم کارها طوری است که دیگر لازم نیست ما مداخله کنیم و به طور فرمالیته و ظاهر سازی حرف بزنیم. حقایق را باید گفت و دولت هم حقاً باید جلوگیری کند و این اولین مرحله ایست که دولت در همین مورد باید اطمینان بدهد به یک نفر بنده که وکیل هستم و بی دانه مردم چه زحمات وجه خساراتی در این راه دارند برای جلوگیری از این کار والا بنده با این لایحه کمال موافقت را دارم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقایان سید یعقوب — بنده گمان می کردم این لایحه که آمد به مجلس بایک هلله و شادی نمایندگان این قانون را قبول می کنند و ابداً وارد هیچ مطلبی نمی شوند و زودتر بدبختی مردم که گرفتار این دکده های سارقین هستند خاتمه داده می شود بنده در دوره چهارم در نظر دارم که موضوع بحث در کلیات این بود که آیا بایستی به همچو اساسی مجلس رأی بدهد یا نه؟ بعد اگر کسی نظری در سواد و جزئیاتش دارد صحبت کند. کلام در نفی و اثبات است که آقا دولت همچو مؤسسه را تشکیل بدهد یا نه؟ این معنی بحث در کلیات است مثلاً آقایان عقیده شان بعضی این است که این مؤسسه نافع است از برای مملکت بعضی معتقدند که نافع نیست. باید در این بحث نمایند که آیا باید اساساً دولت همچو مؤسسه را تشکیل بدهد یا نه از این جهت بنده تصویری کنم همانطور که همکار محترم آقای روحی اظهار موافقت کردند و در اساس موافقت مجلس هم گمان می کنم در اساس موافق باشد مسئله دیگر اینکه مجلس شورای ملی هیچوقت نمی تواند وارد شود در فرع و بگوید صد دوازده یا صد سیزده است ما نمی توانیم داخل شویم ...

روحی — چرا نمی توانیم؟

آقایان سید یعقوب — ابداً نمی شود در مجلس گفت. بنده آخوند هستم شما هم آخوند زاده هستید ما نمی توانیم چنین حرفی را بزنیم و نمی توانیم برخلاف صریح آیه قرآن در مجلس رفتار کنیم. خود دولت خود کمیسیون بودجه تمام این را در تحت نظر گرفته اند. کلام در این بود که یک مؤسسه هائی در این طهران تأسیس شده است و به یک ترتیباتی هستی مردم را به یک قیمت های ارزانی جلب می کنند. قالیها، جواهرها، و آنوقت سرچهار روز حراج می کنند و خانه مردم را خراب می کنند. دولت مدتها است در این خیال بود که کمکی به مردم بکند و جلوی خانه خرابی مردم را بگیرد. این است که بنده دولت را تبریک می گویم به این عملش که موفق شده است دولتی که بنده حقیقه مخالفتش هستم و لکن در این عمل موافقم که یک اقدامی کرده است که بلکه بتواند جلو بیچارگی مردم را بگیرد و یک قدم برای اقتصادیات برداشته شود. هیچ همچو عنوانی در بین نیست. اینجا حق الحفظه حق مقوم است. مقوسی که در آنجا هست یک حتی می خواهد بگیرد. چون عمل مسلم محترم است و به عمل محترم اجرت تعلق می گیرد و این اجرت آن مقوم است که می دهیم عناوین دیگری (آقای روحی) در اینجا نیست و عقیده ام این است که بیش از این مذاکره نکنیم و وارد در شور مواد شویم.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بشور در سواد این لایحه. آقایان

موافقین قیام بفرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده اول.

(به شرح ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه سجاز است یک باب مؤسسه رهنی تأسیس نماید. این مؤسسه پس از تصویب بانک دولتی که بموجب قانون علیحده ایجاد میشود یکی از شعب آن بانک محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای نوبخت. (اجازه)

نوبخت - اینجا نوشته شده است که این مؤسسه پس از تصویب بانک دولتی که بموجب قانون علیحده ایجاد میشود یکی از شعب آن بانک محسوب خواهد شد ذکر این جمله تصور میکنم لزوم نداشته باشد. البته معلوم است که این مؤسسه بالفعل یعنی الان تا وقتی که بانک تأسیس نشده نمیتواند از شعب آن بانک محسوب شود شنیده بودیم فرع زائد بر اصل اما شنیده بودیم که یک فرعی قبل از اصل خودش وجود پیدا کند. بانکی که وجود ندارد تا این مؤسسه را بشود گفت یک شعبه از آنست بنابراین اظهار اینکه این مؤسسه یکی از شعب بانک موهوم را تشکیل میدهد بنظر بنده یک موضوع خیلی تازه و ابتکاری است. فرض میکنیم که میشود گفت این مؤسسه رهنی یک موجود حسی است که جزو یک مؤسسه خیالی یا فرضی است که آن عبارت از بانکی است که شاید تأسیس شود. آنوقت بنده اینجا عرض میکنم که موجود شدن آنرا چطور میشود ملتزم بود زیرا هنوز تصویب نشده بلکه هنوز لایحه آنهم تهیه و پیشنهاد نشده وقتی که تهیه و پیشنهاد شد شاید موجود نشد در اینصورت فعلا این موضوعی که پیشنهاد شده و تصویب شده چه ضرورتی دارد که از حالا ما قید کنیم تابع یک موضوع وهمی یا یک مفهومی است که بعدها ممکن است وجود خارجی پیدا کند یا ممکن هم هست اصلاً وجود پیدا نکند؟ بنابراین بعقیده من خوبست این جمله را نگاه بدارند برای وقتی که لایحه آن بانک را میخواهند بیاورند آنوقت در آنجا بنویسند فلان مؤسسه رهنی که تأسیس شده است یک شعبه از شعبات بانک فعلی را که میخواهد تصویب شود تشکیل خواهد داد و یک قصوری هم که بیشتر شباهت به تعقید دارد در این عبارت هست که مفهوم آن را چون معتقد نیستیم لذا از انتقاد ترکیبی آن صرف نظر میکنم.

سخنبر - مقصود از این بانک اساساً چون شاید آقا به اصل منظور کمیسیون و پیشنهاد کننده که دولت باشد بی نبرده اند و اطلاع ندارند این است که باید برای جلوگیری از تکرار..

رئیس - تأمل بفرمائید عده برای مذاکره کافی نیست.

(پس از چند ثانیه دوسه نفر وارد شدند)

رئیس - بفرمائید.

سخنبر - مقصود دولت و کمیسیون و مجلس این است که یک بانک بزرگ که این بانکهای رهنی و فلاحتی و غیره در ذیل آن بانک باشند تأسیس کند که بلکه میتوانیم یک بانک بزرگی با سرمایه عالی در مملکت تأسیس کنیم. وقتی که این مقصود را تصدیق کردیم آنوقت بنده میدانم چه ضروری دارد که قبلاً ما در یک ساده که در مجلس میخواهیم بگذرانیم قید کنیم که این مؤسسه هم شعبه آن بانک اساسی است که ما میخواهیم تأسیس کنیم بنده مقصود آقای نوبخت را نفهمیدم که اگر این جمله اینجا باشد چه ایرادی بر آن هست و چه اشکالی وارد میآید. و آیا

مخالفت با نظامنامه دارد؟ به هر حال مقصودشان را که بنده ملتفت نشدم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

طباطبائی دیا - بنده سؤالی دارم.

رئیس - مذاکرات که کافی شده است فرمایشی دارید؟

طباطبائی دیا - بنده یک سؤالی داشتم. این لایحه دوشور دارد یا یک شور؟ بنده عقیده دارم که این لایحه باید به کمیسیون فوائد عامه برود چون این راپورت در کمیسیون بودجه آمده است حالا اگر به کمیسیون فراید عامه هم باید برود باید دوشور داشته باشد.

رئیس - اولاً هر لایحه که به کمیسیون فوائد عامه میرود مستلزم دوشور بودن نیست و بعلاوه این مؤسسه دولتی است و ملی نیست که محتاج به ارجاع به کمیسیون فراید عامه باشد. از همه اینها گذشته اگر به ماده ۹۰ نظامنامه مراجعه بفرمائید این لایحه ایست که تقاضای وجوهی برای مصارف مخصوص شده است و یک شور بیشتر ندارد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم.

(به شرح آتی قرائت شد)

مؤسسه رهنی مزبور بابت قرضههایی که میدهد نفعی نخواهد گرفت و سالیانه بیش از صدی نه به عنوان حق الحفظه نباید دریافت نماید و وثیقههای قرضههای مزبور اجناس قابل فروش خواهد بود که مبلغ قرضه بیشتر از دو ثلث قیمت حقیقی آن اجناس نبوده باشد.

رئیس - آقای احتشامزاده. (اجازه)

احتشامزاده - بنده نهایت موافقت را با این لایحه دارم و این لایحه را یکی از بهترین لوایح میدانم که به مجلس آمده است و خیلی متشکرم که رفیق محترم بنده آقای داور در مواعی که سمت وزارت فراید عامه را داشتند این فکر را کردند و لایحه اش را تهیه کردند ولی تأخیر افتاد تا امروز به مجلس آمد و با فشارهایی که به مردم از بابت بانکهای رهنی وارد میشود خیلی بموقع است این لایحه زودتر تصویب شود و حتی نظریاتی هم که دارم برای اینکه تأخیر نشود عرض میکنم ولی مسأله مهمی بنده را وادار کرد که نظریه اصلاحی خودم را در آن قسمت عرض کنم و آن این است که وجهی که برای این بانک در نظر گرفته شده است وجه صندوق تقاعدی است که از حقوق مستخدمین ادارات دولتی تخصیص داده میشود و با اطلاعی که به وضعیت رقت آورستخدامین دولتی دارم که حقوق خود را توأمی یک قران دو قران میفرشند برای حوائج خود اینجا عدالت را مقتضی می بینم که در اینجا برای همان مأمورین دولتی هم حق بدهند از این مؤسسه که از پول

ماه میرسد دیگر محلی باقی نخواهد بود که حقوق خود را گرو بگذارند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

آقاسید یعقوب - در تبصره باید حرف زد. بنده با آن مخالف هستم.

رئیس - تبصره قرائت میشود بعد پیشنهادات واصله خوانده میشود.

(اینطور قرائت شد)

تبصره - مبلغ قرضه از چهارصد تومان تجاوز نکرده و به هر شخصی فقط یک مرتبه داده خواهد شد.

آقاسید یعقوب - بنده عرض دارم.

سخنبر - اینجا یک تصحیحی دارد اینطور تصحیح بفرمائید که مبلغ قرضه از چهارصد تومان تجاوز نکرده و به هر شخصی مادام که قرض خود را نپرداخته است فقط یک مرتبه داده خواهد شد.

آقاسید یعقوب - مخالفت من همین بود.

رئیس - با اینطور که آقای سخنبر اصلاح کردند مخالفتی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - جزو ماده است بعد رأی میگیریم.

نوبخت - بنده با تبصره مخالفم.

رئیس - مذاکرات کافی شده است. پیشنهاد آقای بهبهانی.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم حق الحفظه مرقوم در ماده دوسودی شش مقرر شود ببهبهانی.

رئیس - آقای بهبهانی. (اجازه)

بهبهانی - بنده در این ماده در کمیسیون بودجه هم این پیشنهاد را کردم یک مقداری هم در اطرافش مذاکره شد ولی آنجا تصویب نشد این است که اینجا پیشنهاد خودم را باز تکرار میکنم و عقیده بنده این است که چون این مؤسسه یک مؤسسه ایست که تقریباً نظر آقایان نمایندگان و هیئت دولت راجع به این مؤسسه این است که برای فقراء و ضعفا یک راهی باز شود و علاوه بر این برای جلوگیری از مؤسسههای دیگر که مبالغ زیادی از مردم نفع میگیرند از آنها جلوگیری شود البته بنده وقتی نگاه میکنم به این مقصود می بینم صدی نه در اینجا مقرر شده است درحالی که اول صدی دوازده بود بنده صدی نه را هم زیاد میدانم برای اینکه راست است که این مؤسسه یک مخارجی دارد ولی چون این مؤسسه یک مؤسسه ایست که برای رفاهیت مردم تشکیل شده و دولت نظر انتفاعی از این مؤسسه ندارد بنده تصور می کنم صدی شش کافی است که این مؤسسه حق الحفظه بگیرد و حق الحفظه هم هست که برای نگاهداری اشیاء مردم است و پیش از این کجایش ندارد.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

خودشان است استفاده نمایند.

سخنبر - منع نشده اند.

احتشامزاده - آنها به طور کلی منع نشده اند ولی مستخدمین ادارات دولتی مخصوصاً مستخدمین درجات پائین وثیقهشان حقوق اداریشان است و غیر از این شاید وثیقه نداشته باشند و مخصوصاً با وضعیت فعلی یعنی در اثر تصویب قانون استخدام حقوق آنها یک طوری است که تزلزل ندارد و مستخدمین یک حقوق معینی دارند و خیال میکنم باعتبار حقوق گذشته خود باید مستخدمین میتوانند از این بانک بدون وثیقه قرض نمایند یعنی وثیقه حقوقشان باشد چون دیده میشود که حقوق مستخدمین و اعضاء ادارات یکماه و دو ماه عقب می افتد و آنوقت این بیچاره عضو اداره وثیقه ندارد بدهد پول بگیرد ولی باعتبار حقوقی که از دولت طلب دارد و به او داده خواهد شد و ممکن است مدتی طول بکشد ممکن است از این مؤسسه استقراض نمایند این است که بنده استدعا میکنم آقایان توجهی بفرمایند و حق بدهند به مستخدمین دولتی که لاقبل باعتبار حقوق گذشته که طلبکارند بتوانند از این مؤسسه استفاده نمایند.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - البته این فکر آقای احتشامزاده یک فکر خیلی خوبی است ولی بنده تصور نمیکنم جایش در این موقع و این لایحه باشد این لایحه همانطور که تذکر دادید در اثر فکر همه نمایندگان محترم است این لایحه برای تأسیس مؤسسه رهنی است که یک شعبه از بانک دولتی است که در آتیۀ نزدیکی لایحه آن به مجلس تقدیم خواهد شد و فعلاً این مؤسسه فقط مؤسسه رهنی است. میفرمائید راجع به مستخدمین دولتی خوب است اگر از بابت حقوق آتیۀشان یک اشکالاتی هست حقوق گذشتهشان را تضمین و وثیقه بدهند و پولی دریافت دارند بنده آنچه اطلاع دارم مستخدمین دولتی از حقوق گذشته چیزی طلبکار نیستند و حتی یک معوقه هائی هم که از سنه ایت نین و قبل از تصدیق کمیسیون امریکائی بود پرداختند که خیلی کمک برای بعضی ها شد که هیچ امید و پولش را هم نداشتند و اخیراً تمام پرداخته شد من جمله وزارت عدلیه بود که شش برج در یک مرتبه پرداختند البته ممکن است ترتیبی که آقای احتشامزاده پیشنهاد میکنند این را یک تذکری دانست. آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند و این تذکر را ممکن است در موقعی که لایحه اساسی بانک را میآورند در آنموقع یک تسهیلاتی هم راجع به مستخدمین دولتی در آنجا بشود و ترتیبی بنمایند که اگر مستخدمی راجع به یک ماه یا دو ماه حقوق مساعده خواست باچه شرایطی میتواند از آن بانک بگیرد والا اساساً نمیتوان در اینجا حقوق را وثیقه استقراض از بانکی که اسمش رهنی است قرارداد. اینجا جایش نیست.

وزیر مالیه - همانطور که آقای فاطمی اظهار کردند و خاطر

آقایان سبق است از بابت حقوق گذشته کلیه طلبهای مستخدمین تصفیه شده و برای آتیۀ هم امیدواریم که هیچوقت پرداخت حقوق از آخر ماه نگذرد و در اینصورت البته با اینکه حقوق آنها در آخر

مرتضی قلیخان بیات - عقیده بنده این است در این موضوعات و مؤسسات باید طوری دقت کرد که حقیقتاً عملی بشود و برای مردم و دولت و مملکت از همه طرف ملاحظه بشود. اگر آقا دقت بفرمایند همینطور که مذاکره شد این حق الحفاظه که به عنوان مختلف گرفته میشود شاید صدی بیست و صدی بیست و پنج و صدی سی هم شاید بیشتر باشد و همینطور که اظهار فرمودند تأسیس یک چنین مؤسسه برای دولت مخارج دارد و باید دولت هم از عهده مخارج اینکار برآید و یک طوری هم باشد که ممکن باشد سایرین را هم به همین میزان وادار کنیم. وقتی بنا شود خیلی کسر کنیم عملی نیست و سایرین هم ممکن نیست به این میزان بدهند اما وقتی یک میزان معتدلی شد ممکن است کم کم باعث شود که سایرین هم به همین میزان معامله کنند که اسباب سهولت امر شود و رفاهیت عموم فراهم شود در کمیسیون هم این مذاکره شد و بالاخره توافق نظر اینطور حاصل شد که صدی نه امروز برای مردم و دولت بهتر و عملی تر است.

رئیس - (خطاب به آقای مخبر) عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - بسته برای مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بیهبانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای میرزا یدالله خان.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم حق الحفاظه صدی هفت معین شود. نظامی - آقایان تصدیق میفرمایند که این مؤسسه برای اشخاص بی بضاعتی است که تقریباً آنطوریکه بنظر بنده میرسد خیلی اهمیت دارد و تصور می کنم اگر صدی هفت باشد یک رعایتی از فقرا شده باشد زیرا این مؤسسه برای اشخاص بی بضاعت است اشخاص غنی محتاج به این مؤسسه نخواهند بود از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که اسباب رفاهیت مردم باشد.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده یکمرتبه دیگر این مسأله را تذکر دادم حالا هم عرض میکنم این لایحه که آمد به کمیسیون هیچجه نفر از آقایان محترم در آنجا بودند - موضوع صدی شش هم در آنجا صحبت شد شاید یکی اشخاص که صدی شش میل داشت بشود خود بنده بودم و عقیده ام هم صدی شش بود ولی بعد یکدلایل و اظهاراتی رئیس کل مالیه کرد و معایبی ذکر کرد که صدی شش اگر از یک طرف اسباب رفاهیت یک عده ایست از طرف دیگر دارای یک معایبی است. از کجا معلوم است که این مؤسسه هائی که فعالست نروند و صدی شش را از اینجا قرض نکنند و بعد مخفیانه به صدی هجده و صدی بیست و چهار یا بیشتر به مردم ندهند؟ بنده تصور می کنم که این صدی نه از روی دقت نوشته شده و ملاحظاتی تمام اطراف شده و دیگر ما نباید وقت مجلس را بیش از این تلف کنیم.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

می و دو تومان میگیرند. اگر مراجعه بوضعیت رقت آور تمام مملکت بفرمایند می بینید فقط یک عده خوشبخت دور ادارات مملکت جمع شده اند (بعضی از نمایندگان صحیح است) ادارات وضعیت رقت آور ندارد. وضعیت رقت آور مملکت را ملاحظه بفرمایند. علاوه میفرمایند اینها حقوقشان را وثیقه قرار بدهند فلان سرد که هم که چادر زنش را سیار و گرو بدهد چه تفاوت دارد با فلان بقال یا فلان سبزی فروش یا فلان تاجر یا فلان سلاک که می رود اسباب خانه و زینت آلات یا تنگ سمورش را سیار و گرو میگذارد برای اینکه اعاشه نماید چه فرقی دارد با آن مستخدم اداره در صورتی که هیچ سمری هم ندارد و به آخر ماه خودش هم اطمینان ندارد.

باز این مستخدم فکر می کند که بیست روز دیگر به او حقوق میدهند ولی آن بیچاره فکر میکند که فردا چه طور نان پیدا کند بخورد. پس اگر آن مستخدم هم اسبابی دارد بیاورد و بگذارد و همان طور که یک سبزی فروش می آید و وضعیت رقت آورش را تأمین می کند همین طور آن یک نفر مستخدم دولت هم بیاید و همین کار را بکند. و اینکه فرمودید از دولت طلب کارند و بیایند استفاده کنند اینجا میخواستم بنده هم موافقت نظری با حضرتعالی پیدا بکنم. دولت اشخاصی را که از خزانه اش طلب کارند باید یک چیزی در نظر بگیرد و یک مبلغی از بقیه وجوه تقاعد از مجلس اعتبار بخواهد برای اینکه این وجوه تقاعد که دو خمسش باقی میماند صد هزار تومان از بقیه این وجوه را برای این کار تخصیص بدهد که به آنها مساعدت کنند. اما از این مؤسسه میخواهیم تمام اهل مملکت بالتساوی استناد کنند.

وزیرمالیه - یک توضیحی عرض کنم بیانات آقای شیروانی کاملاً صحیح است در باب وجوهی که دولت از بابت حقوق معوقه باید بدهد مبلغی در بودجه خودش منظور کرده و اس سال هم قریب سیصد هزار تومان داده و باز هم خواهد داد.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای احتشام زاده آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حاج سید حبیب الله امین.

(به شرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی. بنده پیشنهاد می کنم که در ماده دوم بجای وثیقه های قرضه های سزبور اجناس قابل فروش خواهد بود. نوشته شود: وثیقه های سزبور اجناس منقول خواهد بود.

حاج میرزا حبیب الله امین - در اینجا نوشته شده وثیقه های قرضه های سزبور اجناس قابل فروش خواهد بود در این یک تبعیضی میشود که یک قسمت از اجناس مردم را قابل فروش تصور می نمایند و قسمت دیگر را غیر قابل فروش. تصور میکنم بهتر این است نوشته شود اجناس منقول چون اجناس منقول قابل فروش است و تبعیضی هم حاصل نمیشود.

مخبر - مجدداً بخوانند.

(به شرح ذیل قرائت شد)

رئیس - مقصود این است که کلمه منقول مابین کلمه اجناس و قابل فروش اضافه شود.

آقا سید یعقوب - باشتاب و عجله بنده مخالفم - اجازه بفرمایید رئیس - حالا که نخواستیم رأی بگیریم !! - آقای بیات

(اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - (اجازه)

آقا سید یعقوب - گمان میکنم آقای امین تشریف نداشتند در کمیسیون همین مسئله محل بحث واقع شد که اینجا نوشته شود (منقول) ، بملاحظه رفاهیت حال مردم یک کلمه را اخذ کردیم که این کلمه (قابل فروش باشد) و نظرم آن این بود که به حال مردم اصلاح است و بعقیده بنده این عبارت بهتر است و اشکالی هم ندارد.

مخبر - چون آقای آقا سید یعقوب بکمیسیون اشاره کردند عرض می کنم در کمیسیون هم نظر بکنم منقول بود یعنی باستثناء ملک - حالا نمیدانم اگر آقای آقا سید یعقوب عقیده شان بر این است که هر چیز را غیر از ملک قبول کنند که عبارت ساده کافی است والا بنده تصور میکنم که اکثریت اعضای کمیسیون این سنت را قبول کنند و بنده هم می پذیرم .

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد -

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - مؤسسه رهنی مزبور بابت قرضه هائی که میدهد نفعی نخواهد گرفت و سالیانه بیش از صدی نه بعنوان حق الحفاظه یا مال الاجاره نباید دریافت نماید و وثایق قرضه های سزبور اجناس قابل فروش یا املاک و مستقلاتی خواهد بود که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده باشد - مبلغ قرضه بیشتر از دوثلث قیمت حقیقی آن اجناس یا املاک و مستقلات نخواهد بود .

بامداد - در لایحه که دولت آورده بود یا مال الاجاره داشت (بعنوان حق الحفاظه - یا مال الاجاره) آنجا نظر کمیسیون باین رقت

که شاید بعضی ملاکین بیایند و املاکشانرا در این بانک رهینه بگذارند و مبالغی بگیرند و منظور که نفع فقر است از بین برود باین نظر کلمه حق الحفاظه را قبول کردند - بعد از آن پیشنهاد شد که

مبلغ قرضه چهار صد تومان بیشتر نباشد و چون این قیده است بنده یک نظری پیدا کردم اصل این بانک برای چه تأسیس میشود برای

اینکه مردم از شر این مؤسسات یا این اشخاص که در خانه هایشان قرض میدهند خلاص شوند بیک بقالی را فرض کنید یا یک نفر سقظ

فروش را که قرض دارد بتاجر مثلاً نطف خریده قند خریده موعدهش هم رسیده نمیتواند بدهد - یک خانه دارد یا یک دکان - اگر نظر

بر رفاهیت است باید قبول کنند که این شخص خانه یا دکانش را

گرو بگذارد و پول بگیرد و پس از فروش با حق الحفاظه صدی نه پس

بدهد اگر نظر رفاهیت است باید همه را در نظر داشت بنده نظرم

باین نبود که هر کس هر ملکی را بیاورد و گرو بگذارد زیرا بیچاره صد تومان محدود است پس باید این طبقه را هم مراعات کرد و واقعاً

اگر تحصیل دار فلان تاجر بیاید و فلان کاسب بگوید که سیصد تومان که موعودش رسیده بدمه اگر نداشته باشد بدهد و رشکست میشود و یک عایله از بین می رود چه ضرر دارد که ما این را قبول کنیم که او هم از بین نرفته باشد، و در ضمن ثبت اسناد هم ترویج شده باشد چون قید میشود که هر ملک مستقلی را قبول نکنند که اسباب زحمت دولت بشود بلکه آن ملک و آن دکانی را که به ثبت اسناد رسیده باشد بگیری و چهار صد تومان میدهند یکی دیگر اینکه بنده بعضی کلمات را تصحیح کردم ولی نظرم در اصل ماده بهمین عرض بود که کردم ولی در عبارت بنده کلمه مال الاجاره را اضافه کردم بعضی کلمات دیگر هم دارد که بقول معانی بیانیها نتایج و اضافات زیاد میشود سلیس هم نیست (اجناس قابل فروش خواهد بود که مبلغ قرضه) غیر مربوط است لهذا اینها را بنده باین شکل اصلاح کردم که ساده درست بشود ولی در اصل مطلب خیلی مقدم و امتدعا دارم آقایان نظری هم باین قسمت و طبقه بفرمایند - عبارت را خودشان میداند هر طور میخواهند اصلاح فرمایند.

سخنبر - راجع بملاکین و اشخاصی که فرمودید - ما هم تصدیق میکنیم که گاهی یک مقطع هسانی پیدا می کنند و باید استقراض کنند و دولت هم باید به آنها کمک هسانی گاهی بکند - ولی البته اطلاع دارند که چهار صد تومان برای یک نفر ملاک که میخواهد ملک گرو بگذارد کم است و نمیدانم چه اصلاحی در اسرار او میشود؟ و در هر صورت در لایحه بانک فلاحی که دولت بزودی می آورد این نظرها در آن لایحه تأمین خواهد شد و در اینجا ملاحظه بفرمائید یک مؤسسه رهنی که ما میخواهیم نصفش را هم بفرستیم بولایات نصف این پول را که ما حد اکثرش را هم فرض کنیم منتهی چهار صد هزار تومان میشود و این برای آن اشخاص است که یک تومان و پنج تومان و ده تومان و دوازده تومان و پانزده تومان میخواهند قرض کنند و یک قالیچه گرو بگذارند ما میخواهیم یک مؤسسه ایجاد کنیم که این مؤسسه ها مردم را بچاپند و اینطوری که جنابعالی میفرمائید ممکن است یک نفر آدمی دارای چهل دکان باشد و دارای چندین بستر و قوم و خویش هم باشد این دکان خود را یکی یکی گرو بگذارد و چهار صد تومان هم بگیرد و بالاخره ده هزار تومان پول بگیرد. ما برای این شخص که ملک دارد و مستقل دارد نمیخواهیم این کار را بکنیم بلکه برای همان اشخاص است که بقول آقای اشاره بآقای احتشام زاده (در آرخامه معطل میمانند و حقوقشان دیر میرسد و اشیائی میخواهند گرو بگذارند و اعاشه نمایند و بالاخره این فکر را آقای بامداد خوب است در بانک فلاحی اعمال نمایند.

وزیر مالیه - خاطر محترم آقای بامداد و سایر آقایان نمایندگان محترم مستحضراست که در آن بانک فلاحی و تجاری رعایت این مسائل شده است و در آنجا مخصوصاً قید شده است و برای اشخاصی که میخواهند ملک گرو بگذارند برای اصلاح فلاحی یک ترتیباتی رعایت شده است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بامداد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهادی کنم ماده دوم مؤسسه رهنی این قسم اصلاح شود ماده دوم - مؤسسه رهنی مزبور بابت هر قرضه که میدهند نمیخواهد گرفت و فقط بمأخذ صدی نه در سال بعنوان حق الحفظه محسوب و مزید بر اصل قرضه نموده در مقابل مجموع مبلغ قرضه و حق الحفظه اجناس قابل فروش بوثیقه گرفته خواهد شد که قیمت حقیقی آن در موقع استقراض نسبت بمجموع مبلغ قرضه یک ثلث علاوه باشد.

ارباب کیخسرو - اصلاحی که بنده کرده ام در واقع آن چیزی که در اصل ماده تفاوت حاصل شده است این است که پیشنهاد کردم حق الحفظه هم بر اصل قرضه مزید شود و آن وثیقه که گرفته میشود وقتی که تقویم میشود یک ثلث تفاوت با اصل مبلغ و حق الحفظه روی هم داشته باشد - چون ممکن است طول مدت قرضه یک وقتی بقدری شود که آن یک ثلث اکتفا نکند برای استهلاك آن از این جهت بنده اینجا پیشنهاد کردم که حق الحفظه مزید شود بر اصل و یکی هم اینجا که نوشته اند سالیانه بنده اینطور بنظر میرسد این یک قدری دلالت می کند بر اینکه مدت باید طولانی باشد اگر مدت طولانی شد باید سالیانه حساب نمایند از این جهت بنده در اینجا نوشتم که در سال بمأخذ صدی نه گرفته شود و این روشنتر می کند مطلب را - مدت هر چه باشد از روی مأخذ سال میگیریم (نه اینکه حکما سال از آن قرضه گذشته باشد) تا بتوان از روی آن مأخذ سال حساب کرد - و یک قسمت دیگر هم در تبصره هست که هنوز خوانده نشده است چون بنده آن پیشنهاد را قبلاً داده بودم و خود آقای سخنبر آن را قبول کردند که اصلاح نمایند

مرتضی قلیخان بیات مجدداً قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

سخنبر - چون این پیشنهاد را بنده قبلادیدم و دونکنه که آقای ارباب در نظر گرفته اند و یک عده از اعضاء کمیسیون راهم مطلع کردند و آنها هم اظهار موافقت کردند ولی آن کلمه (محسوب) تصور میکنم (ماخوذ) باید باشد اگر این اصلاح بشود بنده هم می پذیرم. اینطور شود (مؤسسه رهنی مذکور بابت هر قرضه که میدهد نفی نخواهد گرفت و فقط بمأخذ صدی نه در سال بعنوان حق الحفظه ماخوذ الی آخر.

وزیر مالیه معلوم است که سالیانه بیش از صدی نه همان منظور را میسراند و اینکه فرمودند حق الحفظه را ضمیمه بکنند با اصل مبلغ و در سال ماخوذ دارند این مسئله هم بدیهی است و لابد پس از یک مدتی که از سال گذشت این اسباب و اشیاء منقول را که گرو بگذارند اگر در نیاورند مطابق نظامنامه حراج خواهد شد مثلاً ملاحظه بفرمائید اگر صد تومان بکسی داده شود نه تومان حق الحفظه خواهند گرفت و البته یک چیزی باید صد و سی تومان ارزش داشته باشد تا بتوانند بصد تومان قبول نمایند و این رعایت از اول شده است و تصور میکنم دو سال هم که این سال بماند کفایت می کند و اگر بعد از دو سال نیامد ناچار باید حراج کنند زیرا نمیشود

بیش از این نگاه داشت.

رئیس - آقای بیات (اجازه).

مرتضی قلیخان بیات - اینجا در این پیشنهادی که آقای ارباب فرمودند دواشکال بنظر می رسد یکی همان قسمتی که آقای وزیر مالیه فرمودند - چون در کمیسیون نظر این بود که اسباب رفاهیت برای مردم بشود و مال دولت و بانک هم تلف نشود و یک ثلث هم اگر کسر نمایند آن یک ثلث در موقع فروش آن اجناس اکتفا برای اصل قرضه و حق الحفظه گذشته آن مینماید و مال دولت هم از بین نمیرود یعنی مدت اگر کم و زیادی پیدا کند و حق الحفظه بر آن تعلق بگیرد از این راه جبران میشود. از این نقطه نظر گفتند یک ثلث کمتر باشد و وقتی که یک ثلث کمتر شد حق الحفظه را هم نسبت آن یک ثلث دریافت مینمایند و همان طور که آقای وزیر مالیه فرمودند بالنسبه در یک مدت معینی بانک مجبور است قرار بگذارد که اگر چنانچه صاحب مال نیامد و پول نداد بوسیله حراج و غیره پول بانک برگشت نماید و اگر این شرایط در نظامنامه نشود ممکن است آن اشیاء سی سال بماند و برای دولت اسباب زحمت شود پس وقتی که آن قسمت را اجرا نکنند این قسمت از بین می رود بنابراین (ماخوذ) یا (محسوب) هر کدام نوشته شود گمان میکنم بی تناسب باشد و هیچ کدام از این دو کلمه لزومی ندارد.

رئیس - در پیشنهاد کلمه ماخوذ است مزید بر اصل قرضه هم هست و با ماده چهارم این خبر ممکن است تناقض پیدا کند پیشنهاد آقای حایری زاده قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده دوم بمجموع پیشنهادات ارجاع بکمیسیون بشود

رئیس - مخالفی ندارد؟

بیات - بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

مرتضی قلیخان بیات - چون وقت گذشته و گمان میکنم جلسه هم ختم میشود ارجاع بکمیسیون لزومی ندارد همان اعضاء کمیسیون در این ماده و پیشنهاداتی که شده دقت میکنند و برای جلسه آتی نتیجه

را اظهار میکنند.

رئیس - نتیجه فرق میکند - (خطاب بقای حایری زاده).

شما هم موافقت با اظهار آقای بیات یارای بگیریم؟

حایری زاده - از قرار اظهار آقای سخنبر گویا یک قسمت از پیشنهاد را خیال دارند قبول کنند و این لایحه اصولی است و باید با دقت کامل و فهمیدگی بان رای داد. بنده مستقداً پیشنهادات مجدداً بکمیسیون برود و رابرت ثانوی بمجلس بیاید.

سخنبر - بنده هم تقاضا میکنم برگردد بکمیسیون.

رئیس - بسیار خوب، آقایان، و اوقاتند جلسه ختم شود؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس - اخذ آراء نسبت بانتخاب کمیسیونها تمام شد، جلسه آتی پنجشنبه آینده سه ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور هم بقیه دستور امروز.

شیروانی - بنده راجع بتعیین جلسه عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

شیروانی - چون بعضی از آقایان نمایندگان کارهایی دارند و جلسات ثابتی معین نشده بنده پیشنهاد میکنم هر هفته سه جلسه - شنبه و سه شنبه و پنجشنبه جلسات رسمی مجلس بشود که جلسات ثابتمان معلوم بشود و سایر اوقاتمان را برای کارهای دیگر تخصیص بدهیم.

رئیس - آقای بیات.

بیات - بنده گمان میکنم جلسات ما معلوم است، همان یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه است و دیگر لزومی ندارد تغییر داده شود رئیس - عمل همه تا بحال بر این بوده است و البته مجلس هر موقعی بخواهد میتواند تشکیل بشود ولی علی الرسم همین سه روز که عبارت از یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه باشد ایام جلسه مجلس بوده است. فعلاً جلسه را ختم میکنیم و دستور جلسه آینده هم همین خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات رهنی خواهد بود.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمدتدین

منشی - عبدالامیر منشی - امیر تیمور